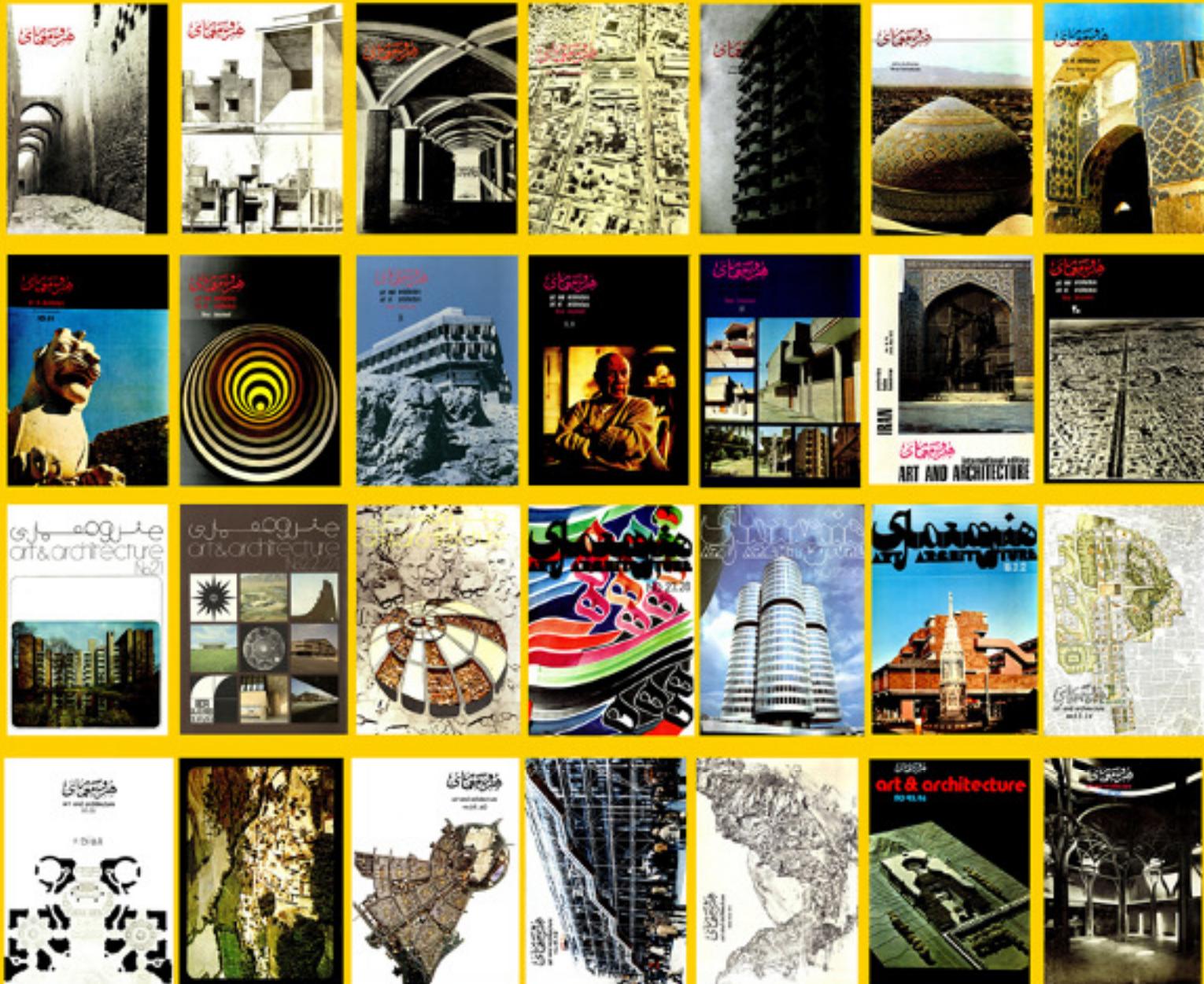


هُنر و مَعْمَاری

art and architecture



به نام خدا

چندی بود که فکر ثبت و ضبط مجموعه کامل مجله تخصصی "هنر و معماری" که در فاصله سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۷ خورشیدی با تلاش چندی از اساتید هنرمند و معماران فرهنگ دوست تهیه و انتشار یافته بود به ذهن اینجاتب رسید، تا بتوان اطلاعات ارزشمندی که پیرامون هنر و معماری سالهای گذشته ایران که در این مجموعه جمع آوری شده است در معرض دید داشتجویان، اساتید، محققین و سازمان‌های مرتبط با هنر، معماری و شهرسازی کشور قرار گیرد. در ابتدا با مهندس عبدالحمید اشراق گفتگو و اجازه ایشان به عنوان سردبیر مجله گرفته شد. نهایتاً و در ادامه پس از چندین ماه تلاش، مجموعه کامل ۴۸ شماره‌ای مجله "هنر و معماری"، در بهار سال ۱۴۰۱ تصویر برداری و مستندسازی گردید. امید است تا علاقه‌مندان از این مجموعه تخصصی و ارزشمند حد اکثر بهره برداری را بنمایند.

در انجام این پروژه افرادی به شرح ذیل دخیل بودند که بدون یاری و مساعدت آنان این فعالیت فرهنگی و تحقیقاتی میسر نمی‌گشت.
بررسی و ریاست محترم کتابخانه‌ی "مرکز استاد تخصصی فنی و مهندسی" (وابسته به سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران) که مسئولیت تصویر برداری از مجلات را به عهده داشتند.

• آقای دکتر کمالی، مهندسین مشاور دایره و مهندسین و افرادی که مجموعه آرشیو شخصی مجلات خود را در اختیار اینجاتب قرار دادند.

• آقای مهندس نور علیوند که مساعدت و پیگیری ایشان در انجام این مهم بسیار سودمند بود.

• تارنامی پژوهشی "معمارت" که زحمت انتشار این مجلات را بر عهده گرفته است.

• و نهایتاً حمایت‌های فکری و معنوی آقای مهندس عبدالحمید اشراق که در تهیه و ثبت این استاد، بسیار ارزشمند بوده است.

"پروژه تاریخ شفاهی معماری معاصر ایران"
آرش طبیب زاده نوری
۱۴۰۱

E-mail: archoralhistory@gmail.com

هُنْرُ وَ مَعْلَمَاتٌ

art et architecture

Revue Internationale

10.11





آپارتمانهای ده اشکوبه افراان

تهران - اول پارک وی

کارفرما: شرکت آنکا - مهندسین مشاور: مرجان - اجراء کنند: شرکت نیکام

شرکت با سوابع محدود



موزائیک ناهمید محصول آخرین تکنیک پیمانگاری در ایران

طبقات آپارتمانهای دوطبقه افراان دربیلوکهای متعدد خود تماماً از موزائیک ناهمید پوشش شده است.

موزائیک ناهمید با استاندارد چهاری و عظیمترین ماشین های اتوماتیک: سایش، پرس و هیدرولیک و دویست کیلوگرم فشار تولید میگردد.

موزائیک ناهمید در انواع طرح های توپا مصرفی سه شله ماشینی و همچنین سیمان پر تلند تهران دارای شخامتی کمتر و استقامه ای بیشتر است.

موزائیک ناهمید در خدمت آرشیتکها، مهندسین مشاور و پیمانگاران

نایابکاه: خیابان یهلوی - رو بروی پیمارستان شماره یک از انش - ۵۹۲

کارخانه: خیابان آبرنهاور - اول کوچه مهدیه طرش

تلفن ۰۵۳-۶۴۱-۵۲ - ۶۴۱-۵۳ - کارخانه ۰۵۶-۹۷۰-۴۵۶ - تلفن ۰۵۳



هندسه مهندسی

هندسه مهندسی

شاره مخصوص

۱۰ - ۱۱ سال سوم

صاحب امتیاز و مدیر مسئول عبدالحکیم اشراق

همکاران :

مسوول اداره بخش‌های مجله	علی‌اکبر خرمشاهی
» بخش معماری	سید حسین ارجمندی
» بخش روابط بین‌المللی	سادام دوال
» بخش فرانسه	خانه ترجمه
» بخش انگلیسی	نادر و میرزا موزر، خلیلی
» بخش فارسی	فریدون چنیدی
» طرح آگهی‌ها	یونس جوادزاده
» عکس روی جلد	از آثار تخت جمشید

زیر نظر هیأت تحریریه

ناشر افکار مهندسان و هندمندان

تیر - آذر ۱۳۵۰

تکشماره ۳۰۰ ریال دانشجویان ۳۰۰ ریال

آبونمان :

داخل کشور سالیانه ۶۰۰ ریال

خارج از کشور ۱۱ دلار

دانشجویان ۴۰۰ ریال

مجله هندسه مهندسی بطور فصلی و در هرسال

۴ شماره بجز بانهای فاصله، فرانسوی-انگلیسی

منتشر می‌شود

«تالات عتاید شخصی نویستگان است

اقتباس از «تالات و عکسها بدون اجازه کتبی ممنوع است

نشانی اداره مجله : شاهزاد، روبروی دانشگاه تهران، شماره ۴۵۶
اشکوب سوم، آپارتمان شماره ۶ - تلفن ۴۱۴۱۷

چاپ افت و مسطح : زیبا - تهران

تلفن : ۳۱۷۷۴۹ - ۳۰۱۰۳۷

فهرست مطالب :

صفحه	موضوع :
۶	پیش‌گفتار
۷	قابلوهای کلکسیون ناشی علی‌احضرت شهبانوی ایران
۱۰	۴۵۰۰ سال معماری در ایران
۱۶	از کریم پیرنیا بنام خدا
۱۹	خیز و اندام گنبدی‌های ایرانی
۳۱	» » طاق گنبد
۴۱	ساختهای تخت‌جمشید و شوش
۵۲	از عیسی یهنا
۶۲	از کریم پیرنیا » » بادگیر و خیشخان
۷۰	مفهوم معماری در زمرة هخامنشیان
۸۹	و یونیان
۱۰۱	ترنیات در بناهای تاریخی ایران
۱۰۴	هر در خط
۱۰۹	خبر
۱۳۰	تلائی‌های عبرانی بانک رهنی ایران
۱۴۷	از نادر خلیلی و مورا موزر، خلیلی
۱۶۷	بخش انگلیسی مقالات
	از مدام دوال
	از انور ظهیر
	بخش فرانسه مقالات
	بخش آگهی‌ها

سخن‌گفتمی

با انتشار این شماره فصل جدیدی در پخش خارجی مجله گشته می‌شود که معماری مارا به دنیای انگلیسی زبان خواهد شناساند. همکاران ما در این پخش سالها بعثت یک تیم دو نفری در کشورهای مختلف همکاری داشته‌اند:

مهندنس نادر خلیلی (آرشیتکت) پترتیپ در دانشگاه‌های ایران، ترکیه و آمریکا تحصیل کرده است و عضویت چند انجمن معماری را در آمریکا دارد و مدیر سازمان همیستگی تهران و لوس‌آنجلس می‌باشد.

خانم مهندس تویرا موزر خلیلی (آرشیتکت) پترتیپ در دانشگاه‌های آمریکا، آلمان و ترکیه تحصیل کرده و عضویت سازمانهای معماری آمریکا و جنوب کالیفرنیا را دارد و نیز عضو هیأت مدیر سازمان همیستگی تهران و لوس‌آنجلس می‌باشد.

نامبرد گان تاکنون سخنرانی هائی در آمریکا در موضوعات معماری و شهرسازی و روابط معماری با تکنولوژی ایران نموده و مقالاتی را در این زمینه منتشر کرده‌اند.

محله هنر و معماری آرزومند است فعالیت ایشان مورد توجه همکاران و خوانندگان عزیز قرار گیرد و ما بتوانیم پخش زبان انگلیسی را نیز در این مجله مرتبه دنبال کنیم.

هزار و معماري

سپاس

محله هنر و معماری خوش وقت است که با همکاری قلمی گروهی از استادان فن در راه پیشرفت خود گامهای جدیدی را بخطو برمیدارد.

مجموعه مقالات تحقیقی آقای کریم پرنیا که قبلاً چاپ گردیده و در این شماره نیز از نظر خوانندگان ارجمند می‌گذرد، کوششی است در احیاء هنر معماری بویزه در راه بکار بردن و شناساندن اصطلاحات و واژه‌های معماری ایران گفتن.

محله هنر و معماری از کلیه نویسندگان گرامی پخصوص از آقای مهندس پرنیا که با ماهیت‌گاری سیمایه داشته‌اند سپاسگزار است و موفقیت‌بیشتری را برای ایشان آرزو دارد.

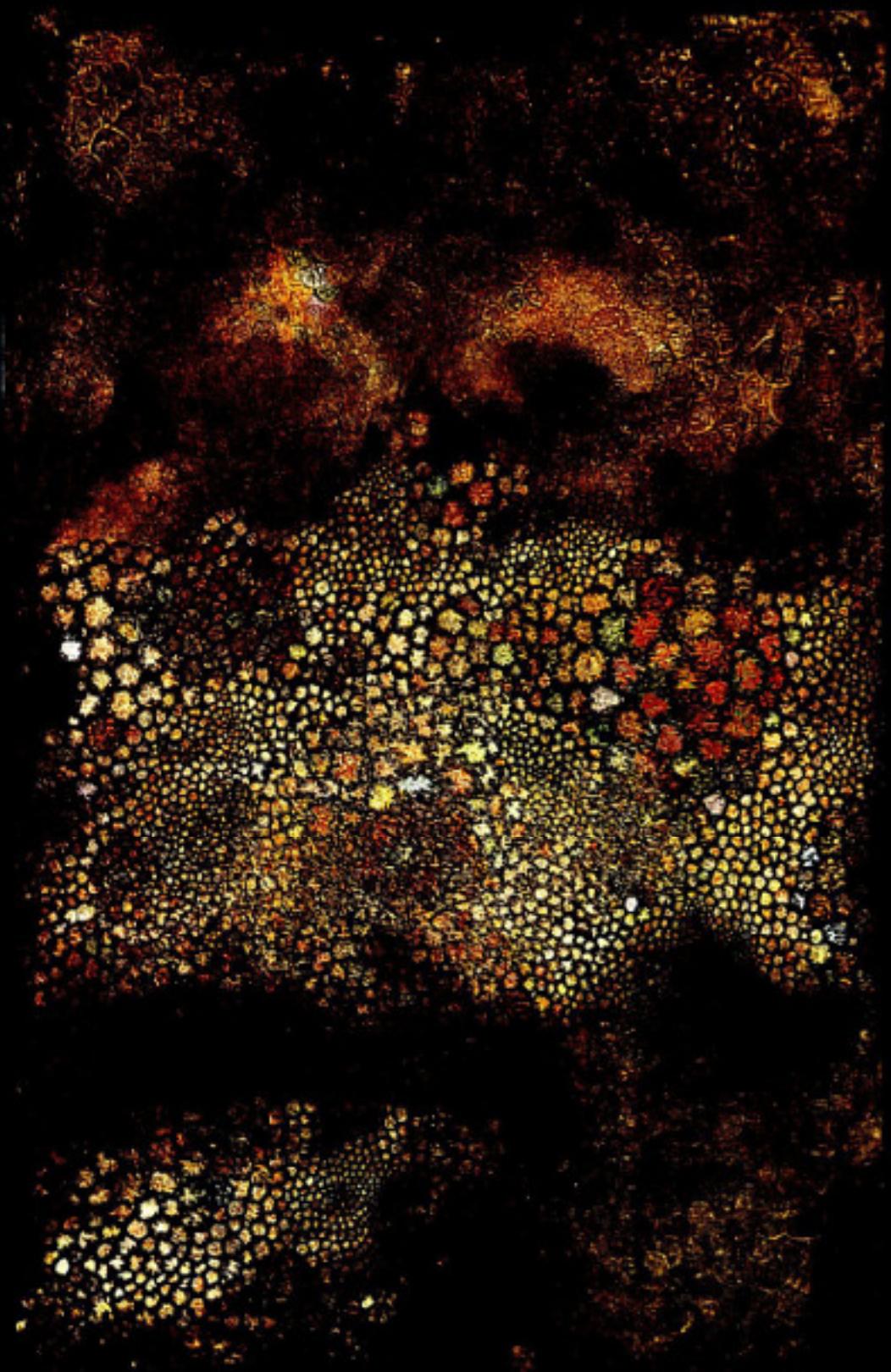


۱۳۵۰ سال کورش کبیر

پیش آفتاب

مجله هنر و معماری فلامنگو دارای
را برای پاک نگر کوئی نامندر راه شناساند
هنر و معماری و فرهنگ ایران . و احیاء شبه
عای قلی و عظیم خان امدادان از این مدت
ایران و خواستند کان دیگر ممالک جهان را
آغاز کرده است

شروع این اقدام انتشار می‌نماید
تحقیقی روشن نمایست که در شماره هفتم
و شماره هشتم بنظر خواستند کان رسیده است
اما اینکه با این اقدام کواسه پائی
بعنایت سال کورش کبیر و ملیخاواری که
درجهت شناسی ۵۰۰ سال معماری در ایران
و عیند که تاریخ اسلام در ایران و ای اسلام
به ارمنیان و سیم شاهزاده ای ای ای ای ای
علیا احیاء شده بتواند هنر و معماری
بسیج همچنانی را آغاز کنیم



Hossein Zenderoudi

Toile huile

حسن زندروی

کیوژسون



Framar - Pilaram
Composition - Verte - toile huile

فريامر - بيلارام
كميون - سون -



abolghassem saidi

Colombes et Branches - Toilehuile

ابوالقاسم سعیدی

گوته و شاخه



2500 ANS D'ARCHITECTURE EN IRAN

تاریخ‌خانه دائم‌گران



VARAMINE
la Mosquée Djamé

مسجد جامع ورامین

هزارمهاری

۱۱۵۱۰

بنام خدا

ایرانی اندام گرفته بود و فروغ ایرانی از آیینه بی زنگار آن میتفاوت .
 شاید واژه های کوشک و کاشانه و طشت و کث و کوزه و مانند آن از نام یومیانی گرفته شده که بیش از رسیدن ایرانیان در این هر ز و بوم سالان داشتند ولی باستجش کوزمای یا طنتی سفالین از آن یومیان با آنچه را که پس از آن مردم نورسیده ایرانی ساخته و پرداخته اند هنر ایرانی را بخوبی توان شناخت و ویژگیهای آنرا دریافت و شاید همین ، پژوهندگان و هنر شناسان پاختر زمین را بگمان اند اخنه است که ایرانی از خود چیزی ندانسته و دستکرد مردم دیگر را بناخود خواهند است .
 هنر مند ایرانی چون بر وانهای آهه بر پرجم گلها و شکوفه های می تشنید و گرد های زرین درختان گشتن را بر میگیرد و بر نوتهالان گلستان هنر که چون دوشیز گانی رسیده آماده باروری هستند میقشانند نهال هنر بارور میشود و میوه های شاداب بر میدهد .
 گاهی گلگمش را چنان در هم میبیند که در طشتی زرین چنبر میزند و گاهی گاو زمین را در زیر آسمانه تحریر زانو در میاورد و فرسهای چوپین را چون یوغی بگردن او میاندازد . مردم سرزمینهای دور و تزدیکرا با چهره ها و زبانهای گوناگون رده میکند تا تخت شاهنشاهی جهان را فرادوش خود بردارند و گلها و سروهای چمن را چنان میبینند تا از کنگره بلکان کاخ سر بر نیاورند .
 با اینهمه چنان با مردم شکسته در میانمیزد که گوئی از تبار ایشان بوده است .
 ایرانی چون شهری را میگشاید برای نختین بار در جهان بمردم آزادی میدهد تا زبان خود سخن بگویند تا خدای خود را بیرونستد ، شاهنشاه بپروزگر ، بهستان شهر در میاید و بخانه خدا می گوید « هرجا که شوم صاحب آنخانه توئی تو »
 پندیان رارها میکند و زندایان را آزادی میدهد و بسایه این خود میسپارد تا چیزی بستم بستند ، چنانکه خداوند بتوان تو بی داده است « ... خداوند ذوالقرینین

● بخاستگاه آریان نه سرما بود و نه گرما نه دروغ و نه دروند . اهریمن بدکش دیوان خشم و خشکی را پرشوراند تا چشمها را بخوشنند و درختان را به تندیاد بیفکنند .
 مردآری که خانهان خود را آشتفتند زن و فرزند را بگردونه چوبین پرشناندو خود بر اسب نشست و در جستجوی خانمان نو ، به خونبرث (ناف زمین) رسید . آن جا ویرا خوش افتاد تا پدالجا که نام خود را بدان نهاد و از آن روز باز خونبرث به ایرانشهر نامور شد .

ایرانی که در زادگاه خود با درخت و دار سرو کار داشت خوب میداشت که تاخوچ یا امپود گوهی بیرون نخورد میوه شیرین و پرآب پر نمیدهد از این رو در راه خود هرچه را از مردم بموی میدید و می پسندید میاموخت و میبیندیرفت و چون پیوندی برای بارور کردن درخت زندگی خود بکار میگرفت ایرانی پژوهند و پذیرنده بود و از آغاز میدانست که پذیرفت و بکار گرفتن پذیرده های آزموده و پرداخته مردمی که سالهایش از او زندگی آسوده و سامان یافته داشتند به از دستکرده ها و آفریده های نایخنده و نایسرورده ایست که تو خاستگان توپر داز بگمان خود چون شاهکاری آفریده و برای مردم بارمعان آورده اند .

ایرانی خوش نداشت که آزموده را دوباره بیازهاید بی باک و بی درنگ از میان ایزارها و دست کرده های مردم بیگانه که بر سر راه او بودند آنچه را که برای زندگی و پیشرفت خود سودمند میباشد و میگرفت و پس از پرداخت و دستکاری هرچه نظر و آراسته تر چون پذیردهای سرا ایا ایرانی بکار میبرد .

هنر ایرانی در این بود که پذیرده های هنری مردم دیگر را چنان میپسرد اخت و میاراست که در چشم آفرینند گان همان پذیرده ها نیز بیگانه مینمود و لی چنان نظر و ساده و زیبا شده بود که دیگر نمیشد نام نختین را بر آن نهاد . رنگ ایرانی داشت ، بدت

شاخت هنر ایران

تاکنون رسم براین بوده است که بر فرهنگها و دفترهای تاریخ هنر هرجا بازی از ایران بر میخوردند آنرا در کتاب آثار هنری مردم دیگر مینهادند (متلا آثار تخت جمشید را در لوحه هنر آسورستان و دیگر مردم میازو و دجای میدادندیا عماری تاریخی دامغان و جامع نائین را که چیزی جز باز بیرون است یک پستان ایرانی نیست چون ملت رازی و خوارزمی، تازی میپنداشتند). در این باره شاید گاهی بگردان ایشان پار نمیشود، چون پس از حمله مغول در هیچیک از نوشهای ایرانی، چه عربی و چه فارسی و ترکی نمیبینیم که از اثر هنری جنایتکه هست سخن آمده باشد، متلا تاریخ نویس، بجای آنکه چون ناصر خرو قبادیانی یا خواجه رسیدالدین وزیر، با زرف نگری آثار قدس پادشاهی المون را پایه به پایه و گنگره به گنگره و مف کرد در باره گنبدی مینویسد. «سیزش طنه بر گنبد کود میزند...» و یا «ایوان کاخ کسری را به باره بندی نمیگیرد». هنردوستان و جهانگردانی هم که باین سرزمین میامددند جنان درین شکفتیها و دگر گوئیهای زندگی و گذران خاور زمین میافتندند که هرگز نمیاندیشیدند تا شکوه این کاخها و آرامش این مسجدها از کجا آمده است ناچار آنها را که پس از کشتار مغول باز ساخته شده بود معماري مغولی و آنچه را زیبیش بازمانده بود سلحوتفی مینمایدند و حای خندماست اگر بسانیم که شاهکارهای معماري ایران را هد جا پردمی بسته اند که بیش از درآمدن پاران زمین در دشتهای خاور و باخته این کشور در زیر چادرهای پلاسین و کلبه های نین روزگار میگذرانندند.

با اینهمه قمبیوان فراموش کرد که بیشتر این داشمندان بادلستگی بسیار پاران و بانوائی آغشته بهر و دلدادگی هنر مارا ستوده اند آنهم در روزگار ایرانی که تویندگان ایرانی باید بروانی از کار این زیانیها میگذشتند و به نهاده های اجداد فیا کان خود چشم نداشتند و اینک زمان آن رسیده است که از میان نوشه های سودمند و ارجدار خودی و بیگانه آنچه را که درست است برگزینیم و با پژوهش و بیکاوی در هر یک از پدیده های هنری این سرزمین و جستجوی خاستگاه آن دست کم شناسنامه ای دیباچه های پردازیم.

امید است این دفتر که تنها بستانی معماری ایران پرداخته است برای آشنائی با این هنر زیبا سودمند افتند.

خود را میفرستند تا پندگاش را از ستم برهاد ... » بیاد است که مردم شهر باستان بیروزگری چکویه رفتار میکنند آنچه را پس از سالها شهرنشینی بدمت آورده اند. پیشکش میکنند و آنچه را آموخته اند بمهمن مهر با خود نیز میاموزند در ساختن خانه باویاری میدهند و دستش را باز میگذارند تا در میان خواسته ها و فرآورده ها آنچه را که میخواهد بر گزیند. در میان مردم نورسپیده هنرمندانی نیز بودند که بجای دستبرد ستمگرانه بمردم ریا که مردم شکته هنر پرداخته و سامان یافته ایشان را میاموختند و با بهره مندی از آن در راه پیشرفت و پیشبرد فرهنگ مردم خود تلاش میکردند. آنچه را که چون از هنر ایران سخن میگویند ایست که چون از هنر ایران سخن میگویند طبیعت گرفته بودند بر تمیز ایران از همه آثار هنری مردم بومی و ایرانیان که از جای دیگر بدین سرزمین روی آورده بودند سخن میگویند چون میدانیم که هر یک از این مردم از پیشینیان خود بیرون برداشده اند و جز این هم فمیتوانست باشد.

اگر امروز میبینیم کدر میان خانواده های کوچک برخی از سرزمینهای دور افتداده و جدامانده در افریقا و استرالیا آثار ویژه ای است که از هنر مردم دیگر بهره ای نگرفته بی درنگ میبینیم که بهمن اندازه هم این آثار خام و ناپرداخته مانده و در برابر راز شگفتی و درخشندگی هنری چون هنر ایران، پیوند و بهره مندی از هنر دیگران است. هنرمند راستین آنست که بی هیچ خودنگری و خود گرانی با زرف نگری با آنچه در پیرامون خود میباید بیاندیشند و نست آفریده های خود را چنان سازد که با همه سادگی و بی براپاگی نظر و دلپیش باشد. با بهتر پنگوئیم «جنان بود که باید ...»

اگر بدھانه یکی از شخصیتین طافهای ایرانی هائند دخمه پارانی کومیش دامغان یا دریچه پند درودزن فارس یکریم درنگاه نخست در میباپیم که هنرمند ایرانی برای ساختن آنها بدھانه اشکفتها و غارها می نگرسته (و اینجا دیگر به هر همسایگان یا مردم بومی چشم نداشته است) ولی چنین اندیشه که اگر سنگ پیرامون بدھانه اشکفت سخت و یاکبارچه بود دقدانه های زیر و ناهنجار آن نا آنچه هیرفت که اندامی نظر و چشم پسند بخود میگرفتو در آفریدش نستگرد خود اندام طاق را بدانگونه پرداخته است که باید.

این همان راست اندیشه و زرف نگری هنری است که در معماری ایران از آن سخن خواهیم گفت.

چه و آندازه گندهای ایرانی

مسجد گنبد حرم حضرت رضا (ع) و مسجد کوهر شاد گنبد ناری با گریو بلند



فامله یا کارقا مرکز گنبد را روی محور عمودی آن منتقل میکردد و شاطیکه بر بالا و پائین بست میآمد کانون یعنی قرار میدادند و در خیز یک گره در گر تصف این فامله را میگرفتند.

در آنجاک سخن از دورها و نویزه های ایرانی میرفت (۲) که شد که زیر سازی گنبد در آغاز سده هشتم به سادگی گراشد و نمونه نهانی از آن که خوشبختانه در پسخ از گنبد های کهن پیچای مانده بود بازرواج یافت و جای خود را زیر گنبد ها با چهره ای زیبا تر و آرامته تر پا کرد اساس و بنیاد اینگونه زیربندی که بهزدی پندی با کاربندی بزدی (در برایر رسی شکنجی) معروف شده براین پایه است که زمینه را بهشت یادوازده یا شاقزده (و گاهی ده و چهارده) بخش میکند و از هر گوشه دوری نویزه مانند با افزار نیمی از دهانه خود میزند هفاط تقاطع شانه نویزه ها را به نویزه دوزی (بنهانی) که روی طاق زده شده می آویزند در نتیجه گندی طنتی و گاهی سیار کم خیز بست میاید که دارای نفتها و انداهای دل آویزی است.

حسن کاربندی بزدی در آست کمتر بمعنی پومن زمینه آن اضطراری نیست و میتوان آرا روی زمینه های مستطیل و شش گوش و هشت گوش و هیأت های دیگر نیز استوار کرد (۳) چیزی که هست بزدی بندی خود بنهانی نمیتواند پوشش را تأمین کند و چون خوانجدهای مطابق اصلی آویزان است و به نسبت بر جستگی دزها که روی طاق ایجاد میکند ناچار بایستی گنبد یا طاقی روی آن زد و بهمین مناسب گنبد های

پلندی در میان گنبد خانه استوار میکردد که در دو نفعه آن حلقوای کار شده بود و دو سر ریسان یار و ده تاییده یا زنجیر فاز کی را نگه میداشت . نام دیرک و زنجیر هنجر بود که چون شاخصی برای آزمایش دور و خیز گنبد پکار میرفت گاهی هم استادان کار ورزیده ای بودند که باری چشم نیزین خود ما آنکه در پشت گنبد کار میکرد دستور می دادند تا مثلا کمی دست بالا گیره یا سر گنبد را بیاندازد یعنی منحنی آنرا بدروان متایل کند.

دیگری ساختمان گنبد بر روی نویزه ها تا ترکهای بی و گچ بود که نخست روی زمین بدلخواه میریختند و در هشت یا شش گوشه گند استوار میکردند و پس از استوار کردن نویزه ها با دورچینی و بالانه (ماتند هو و شاه نویزه) میان ترکهای را میتوان نویزه اینگونه گنبد چینی را میتوان نخست در آتشکده نیازی (هر چند متناسانه باز سازی شده) و سپس در مسیاری از گنبد های مساجد کهن بیرامون اصفهان دید . گنبد هشت ترک آزادی که بر روی گنبد درونی بر جهای در هنگام خرقان قزوین زده اند جای هیچ کمان نیگذارد که این طرز پوشش توافانی و استواری آرا داشته است که حتی پوشش روئین بخوبی بایداری کند .

گنبد ایرانی در واقع همیشه دو یوسته بوده متهیه در جانی پیوسته و گاهی گستاخ گاه نویزه گاه میان نهان ساخته شده است گاهی هم پوشش روئین منحصر باندود و آرایش بروئی یا فرش آجری بوده است . برای بست آوردن خیز دو گره در گر



● خیز و اندامه گنبدخانه ایرانی

ویراسته کریم پیرنیا

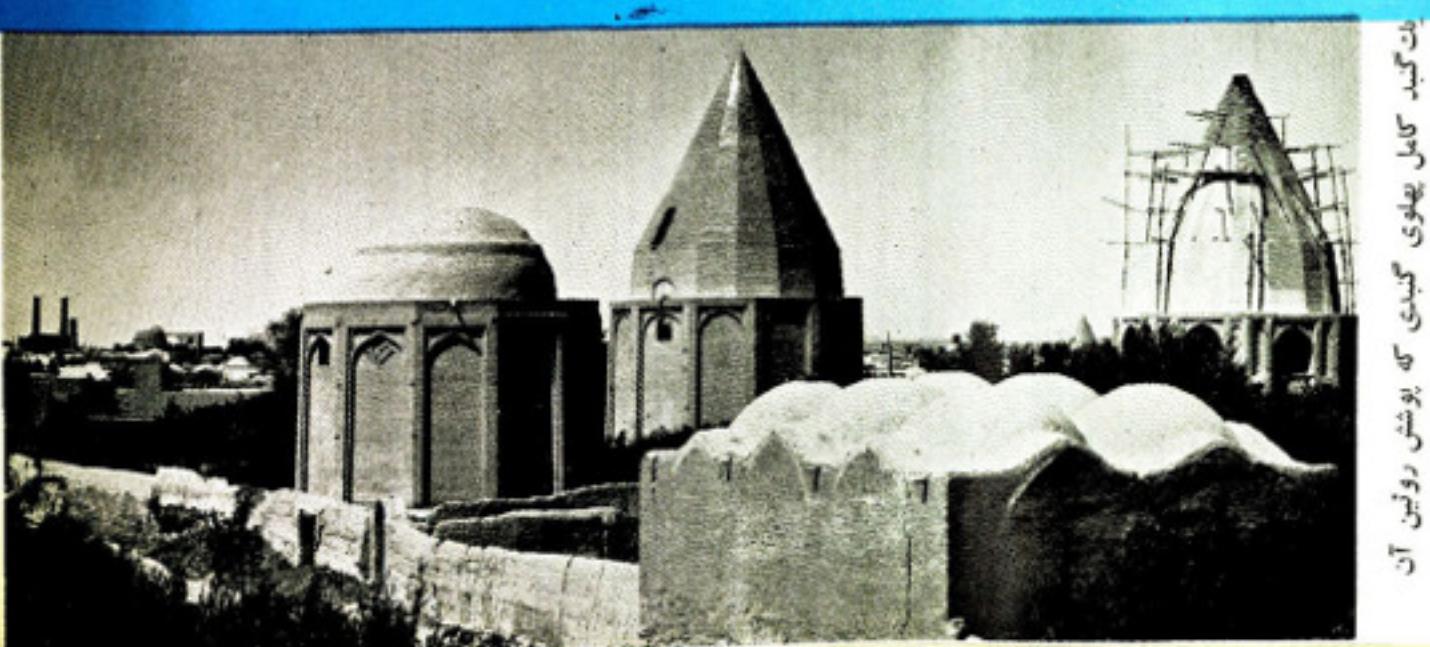
نسب افزای (ارتفاع) دهانه طاق و گنبد را خیز میگویند .

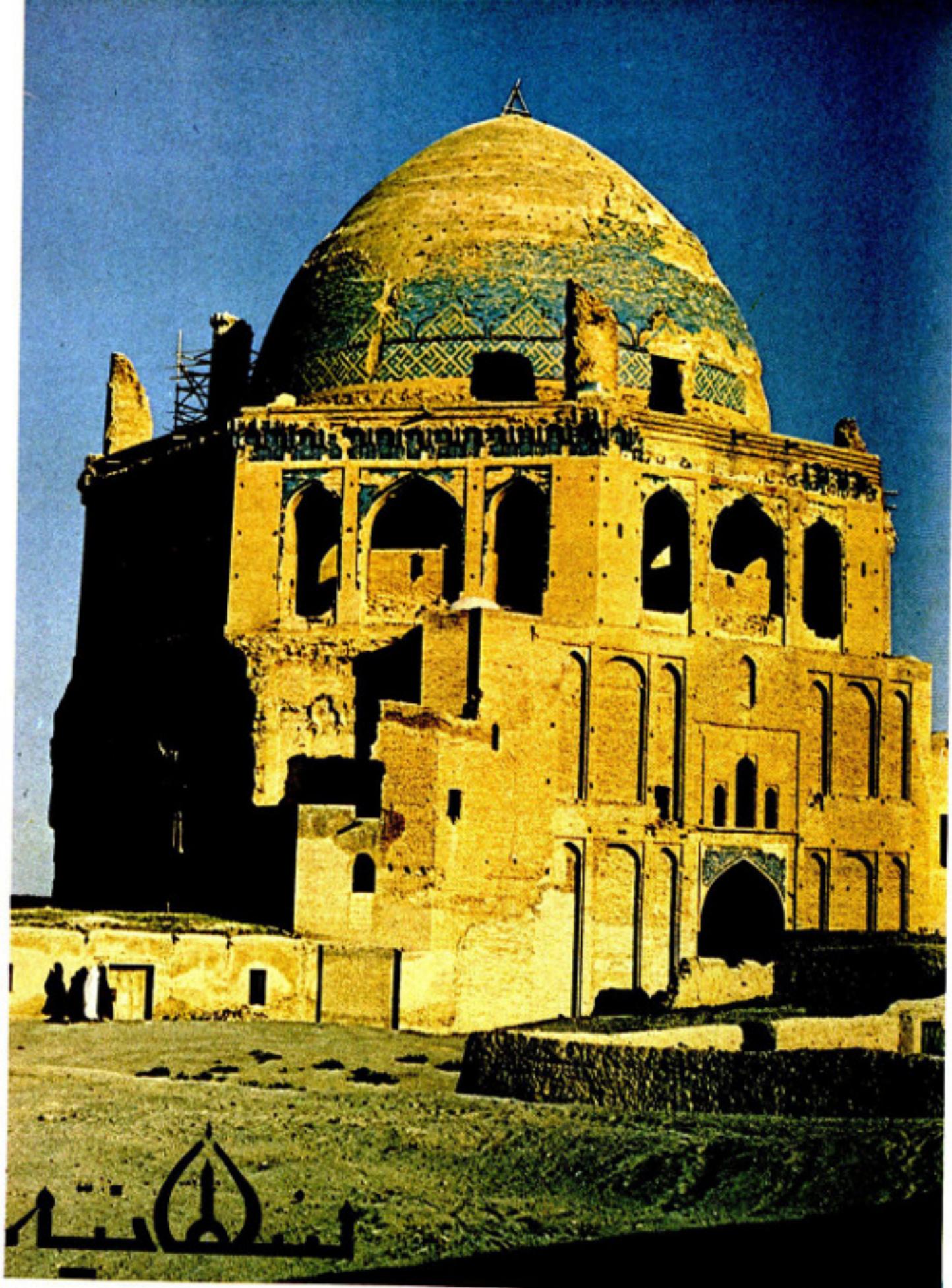
بیش از اسلام بشکوه و فرازمندی گنبد پیشتر چشم داشتند خیز گنبد را دو گره در گر میگرفتند جهانکه اگر دهانه گنبد ۱۶ گر بود افزای آن از پا کار تا نیزه ۱۰ گز میشد و پس از آن که ببردم و ارتشدن ازدامهای معماري و بوبزه گنبد میاندیشیدند خیز کتری برایر یک گره در گر بر گر پده شد و چون خیز کتر از آن استواری و پایداری گنبد را استوار میکردند تا پیدید آمدن کاربندی بزدی (سد هشتم) که آنهم در حقیقت احیاء طرقهای کهن بود گنبد های بهمین طرز ساخته میشد ولی در گنبد های پرده اهانه مانند گنبد آرامگاه خدابند و گاهی هم در دهانه های کوچکتر از آن (ماقند گنبد هیدان ناین و گنبد های سده های چهارم و پنجم) ناجار بودند که خیز دو گره در گر را گویند .

ساختن گنبد بد و گوشه انجام میگرفت یکی گنبد دورچین که نخست طرح و تهر نگ آرا روی زمین می دیختند و پاره های منحنی گنبد را ماتند کالید بر روی چنبره گنبد استوار میکردد و دیرک یا چوب

- ۱ - اندامه گدا ، در آثار ایران و هنر ایران کوشیده است تا وجود این نویزه را هفاط ضعف گنبد نشان دهد و خواسته است تا استخوان بندی ترکی گنبد را خاص هنر گویند معرفی کند در صورتیکه در همان گنبد نیاز مورد مثال خود نیز عامل

- ۳ - کاربندی طاق در سبک رازی نیز بعضی سیار منطقی در مسجد جامع اصفهان نیز مشاهده میشود و تعبیه تازمایی فیض و مهترین نمونه طاق چهار بخش (که متناسانه در قارچخانه از بین رفته) در مسجد سنان موجود میباشد .





سلطانیه از توابع قزوین ، آرامگاه سلطان محمد خدابندہ .

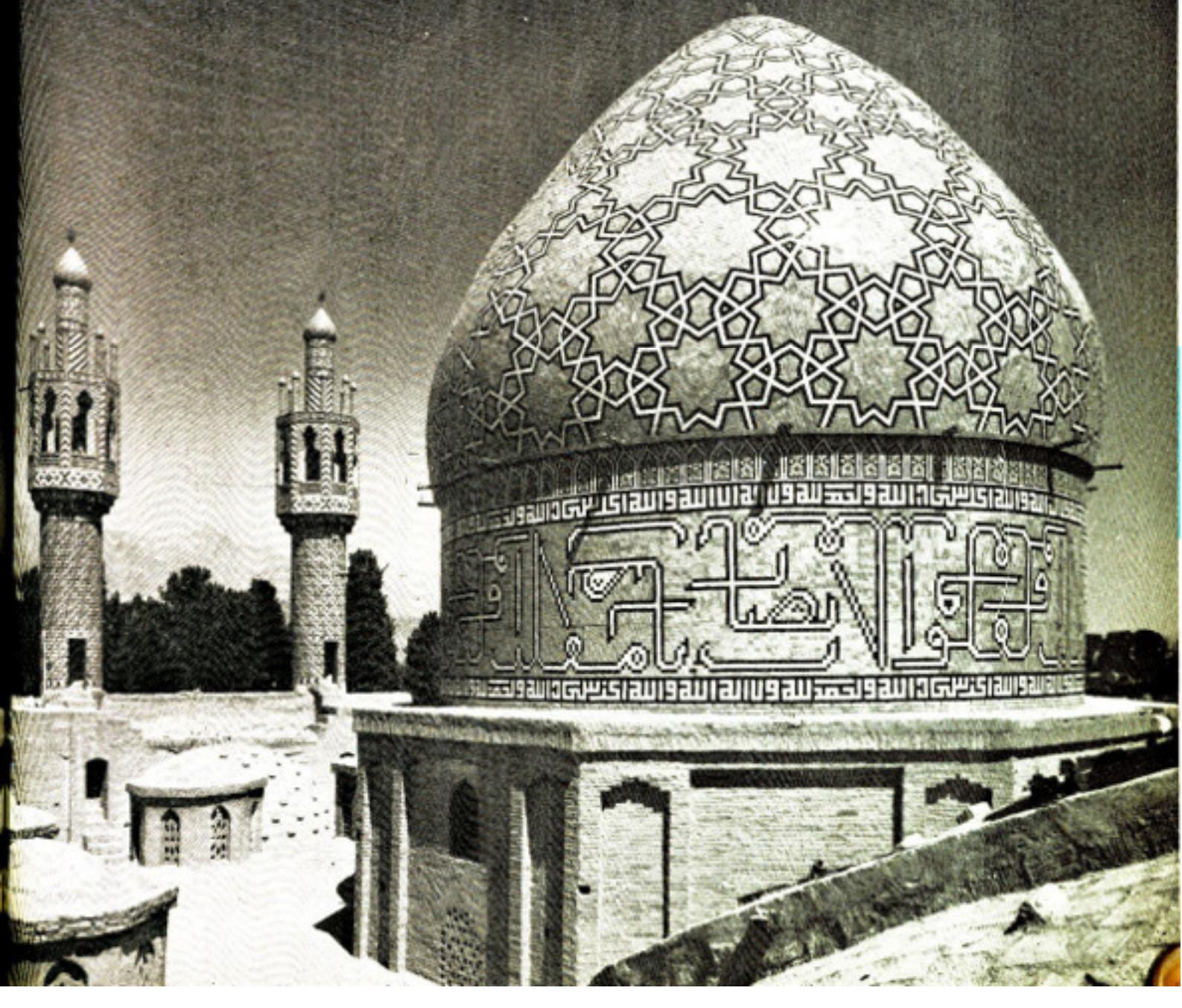
گبید شاه ایوان‌نام در گندی شایور (که باحتمال قوی آرامگاه سردار بزرگ ایران یعنیوب لیست است) مانند روز نخست استوار بر جای مانده است. گاهی پرده یا خشکاشی پچای اینکه در درون گریو قرار گیرد مانند گبید قایوس یا راد کان طوس یا جامع قدیم اردبیل پیرون گریو ساخته شده.

و حتی گاهی خیاره‌ها و شیاره‌های روی گریو روی گبیدهم تکرار شده و نهای زیانی بان داده است این نوع گبید سازی ساختهای کهن دارد چنانکه در کالیا های ارمنی (که رابط معماري بازقى و بيزانس است) می‌بینیم که تا امروز یائیده و

های دورجهن و هشت ترک طرز دیگری در ساختمان گبید دیده میشود که آرا ملسوه چینی میگویند در این طرز رگهها افقی روی هم چیده و پیش شده است و در نتیجه راش گبیدرا تاحد زهادی از عیان برده است. گبیدهای رگ (مخروطی و هرمی) بیشتر بدینگونه چیده شده و نیز در بعضی نماط مانند خوزستان و لرستان و جزایر و بنادر خلیج فارس بیشتر گبیدها دورجهن است بدینگونه که قطعات بزرگ سنگ یا خشت پخته را روی هم چیده و بتکین گرداند این نوع گبید در عین شکوه و زیانی بسیار پایدار است و می‌بینیم که پس از قرتها متلا

برونی سده هشتم دور از گبید یا میان بند زبرین و بیشتر گریو را گرفته ساخته شده. گریو گبید بیشتر دارای پردهای است که در بعضی نماط بآن خطاش میگویند. گاهی این پردها خود استخوان بندی گبید را تشکیل میدهند (مانند گبید های رونین آرامگاههای خرقان) و گاهی هم تنها نش حائل و نگهدارنده گبید رونین را دارند. دور گبید های روی گریو بیشتر هفت و پنج است و تلاش بکار رفته تا با تعییه آوگون (تعییر جهت منحنی و تمایل آن درون راش آهارا به پردها و به گبید های زبرین منتقل گشته بجز از گبید

ماهان کرمان، هامره شاه نعمت‌الله ولی (گندناری آوگوندار).

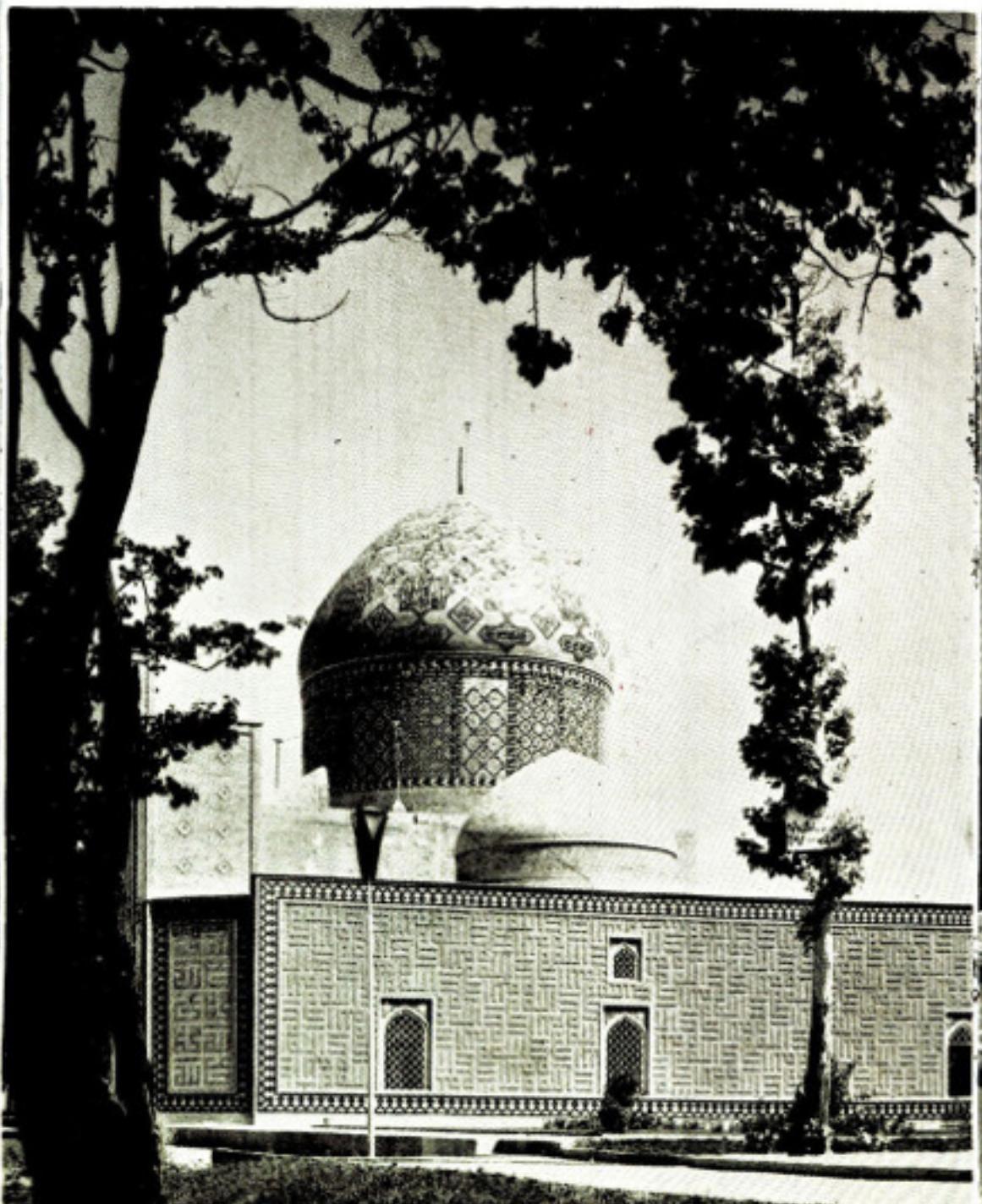


هیچین گند برج اخنجان که خوشبختانه
هنوز قطعاتی از آن بر جای مانده و راکان
بلوس که متنافنه خیاره های آن ریخته ولی
جای آن پیداست و این گونه گند سازی
سرمشق عماری زمان گور کاتیان شده و در
بساری از بناهای آن روزگار معمول گردیده
بلوریکه بعضی آنرا پدیدهای تازه و منحصر
پر کشان و خوارزم می پندارند و گمان
میگنند از خرگاهها و چادرهای تاری تقلید
شده است.



گند خاگی

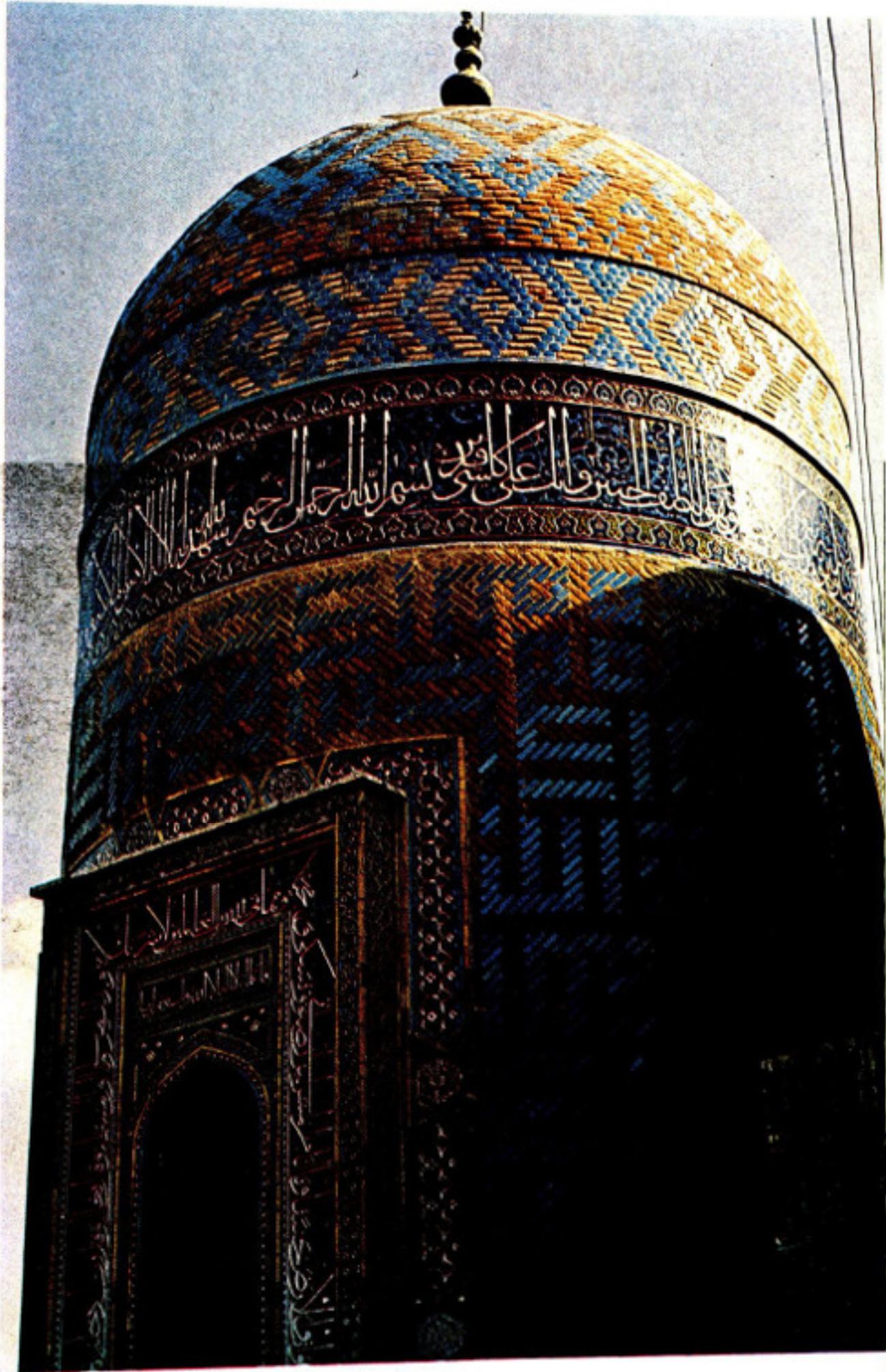
امیر اده محروم (گند ناری با گربوو آوگون) .

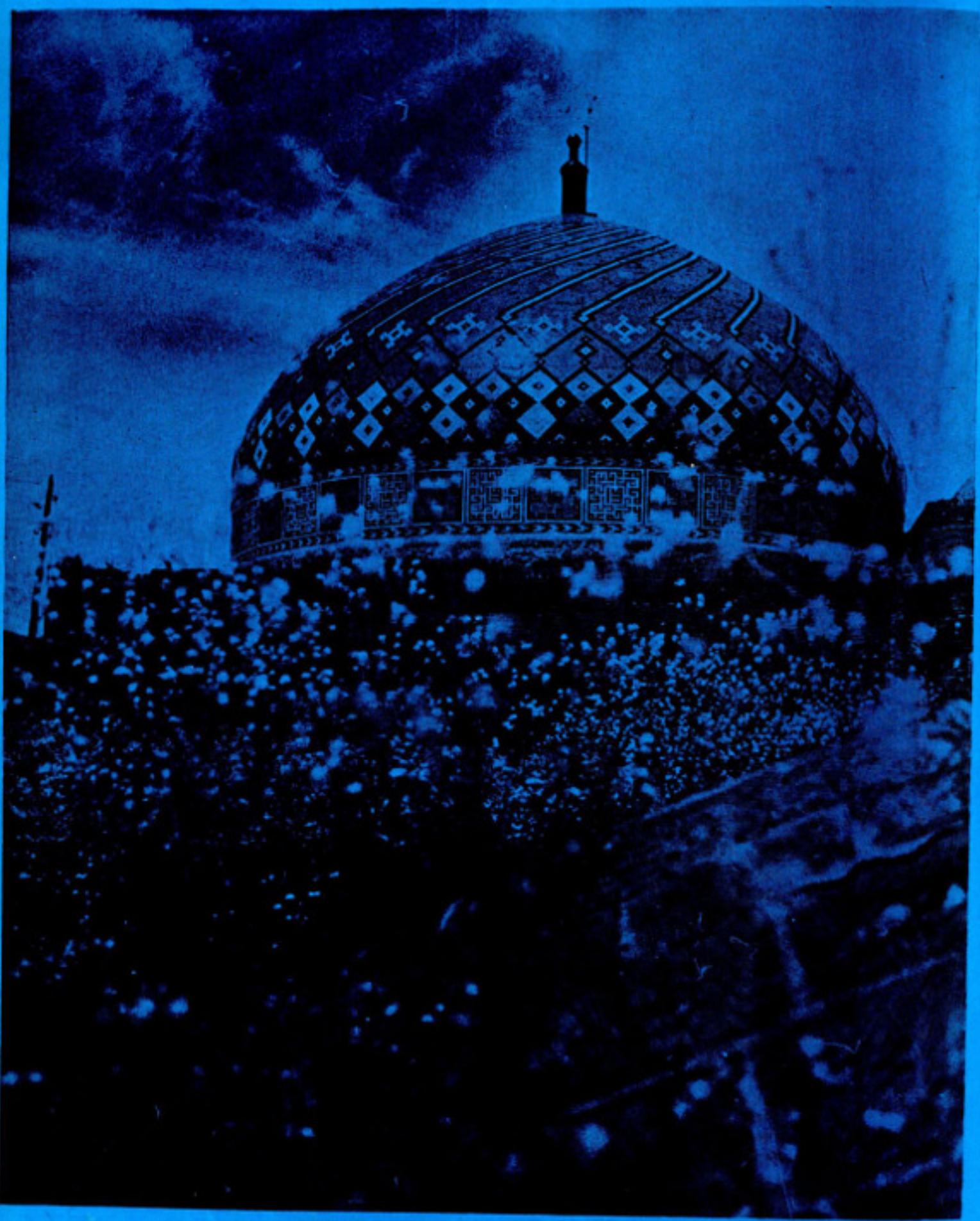


لرستان
آذربایجان
گردشگری
سازمان

Ardabil : coupole Cheikh Safiaddin Ardabili.
L'originalité est toujours visible malgré les réparations.

اردبیل، گنبدشیخ صفی الدین اردبیلی، با اینه باره
آردمیر گردیده هنوز احوال خود را ازدست نماده است.





قرون، گنبد مسجد جامع، تزئین روی گنبد مربوط به دوره قاجاریه است.

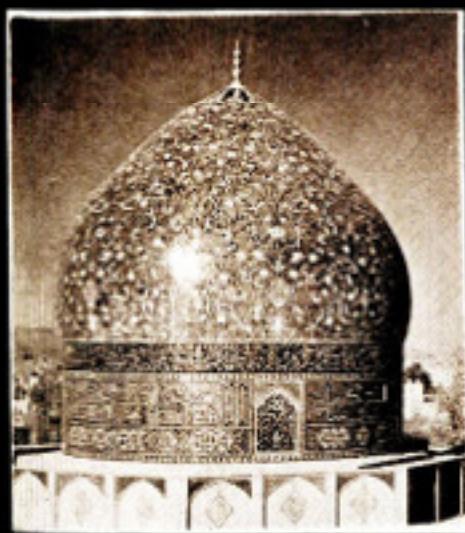
مسجد شاه گنبد ناری با آوگون و گریو



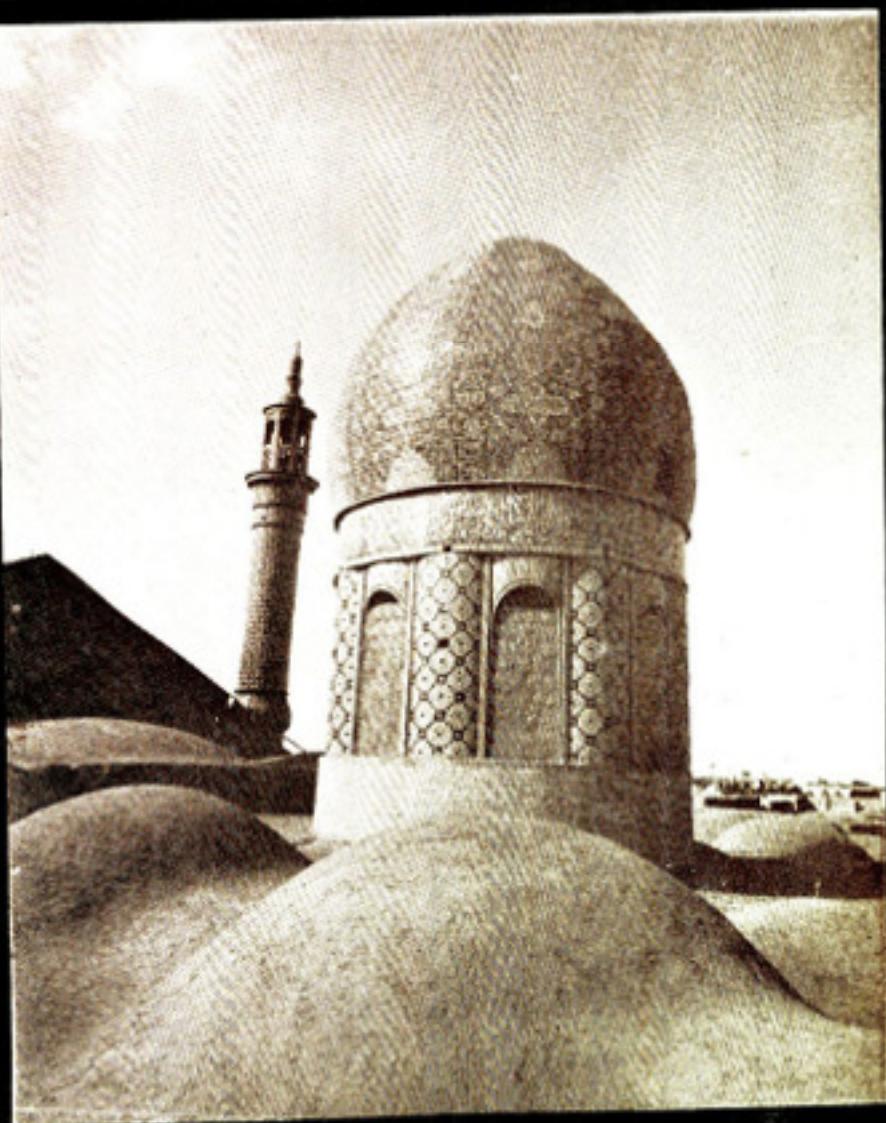
گنبد ناری

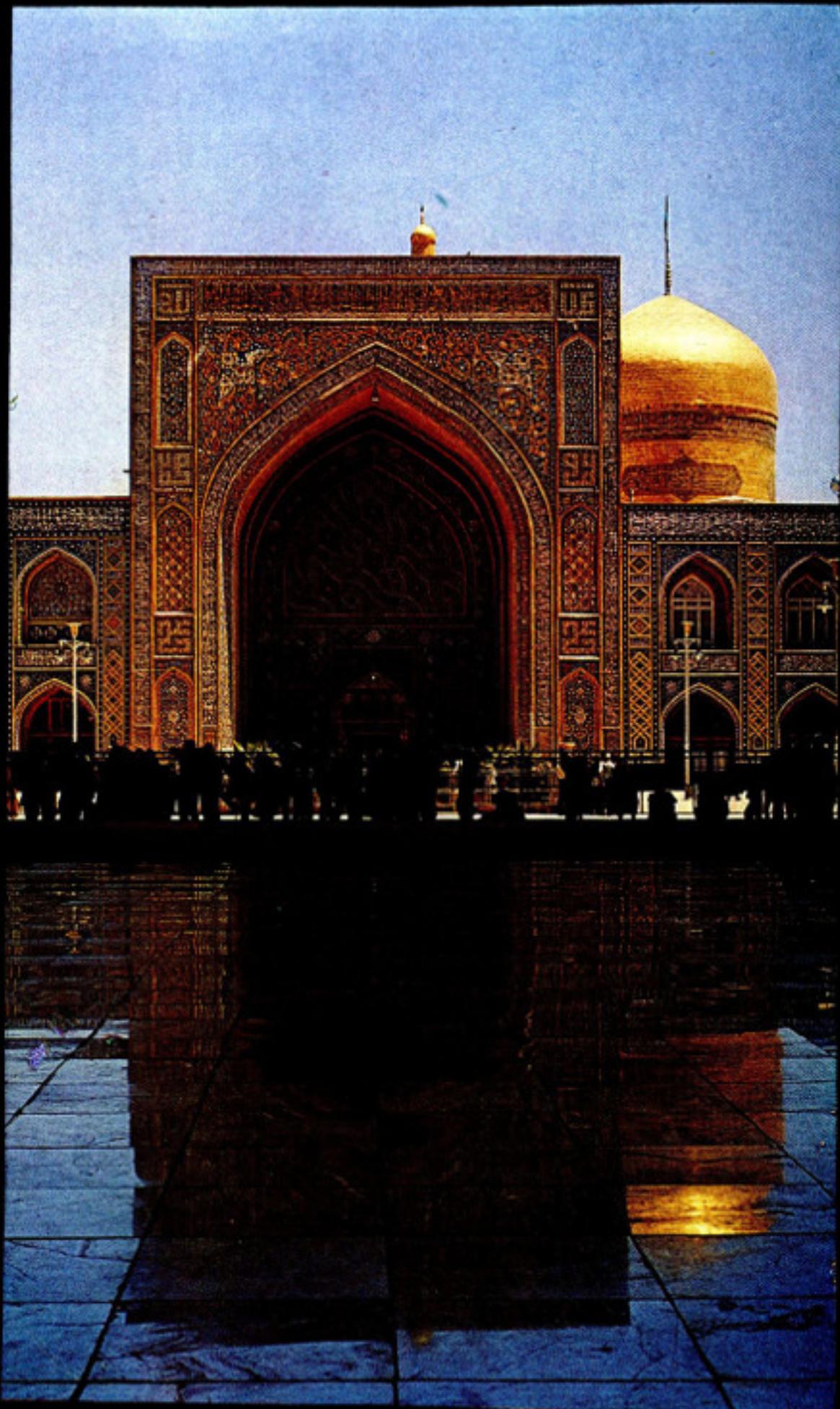


گنبد ناری با گریو بلند

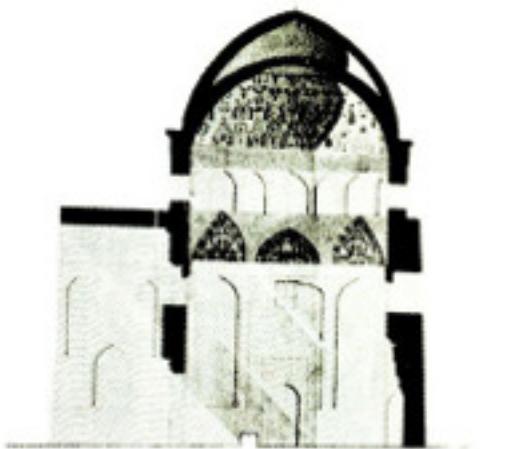


شاهرضا گنبد با آوگون و گریو

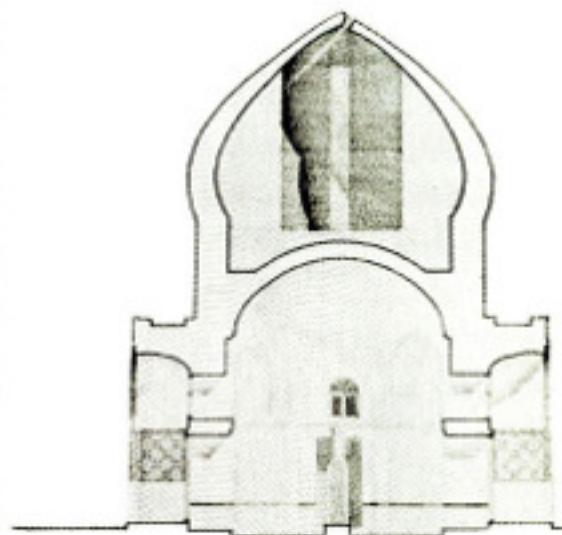




مشهد: حرم حضرت رضا (ع)



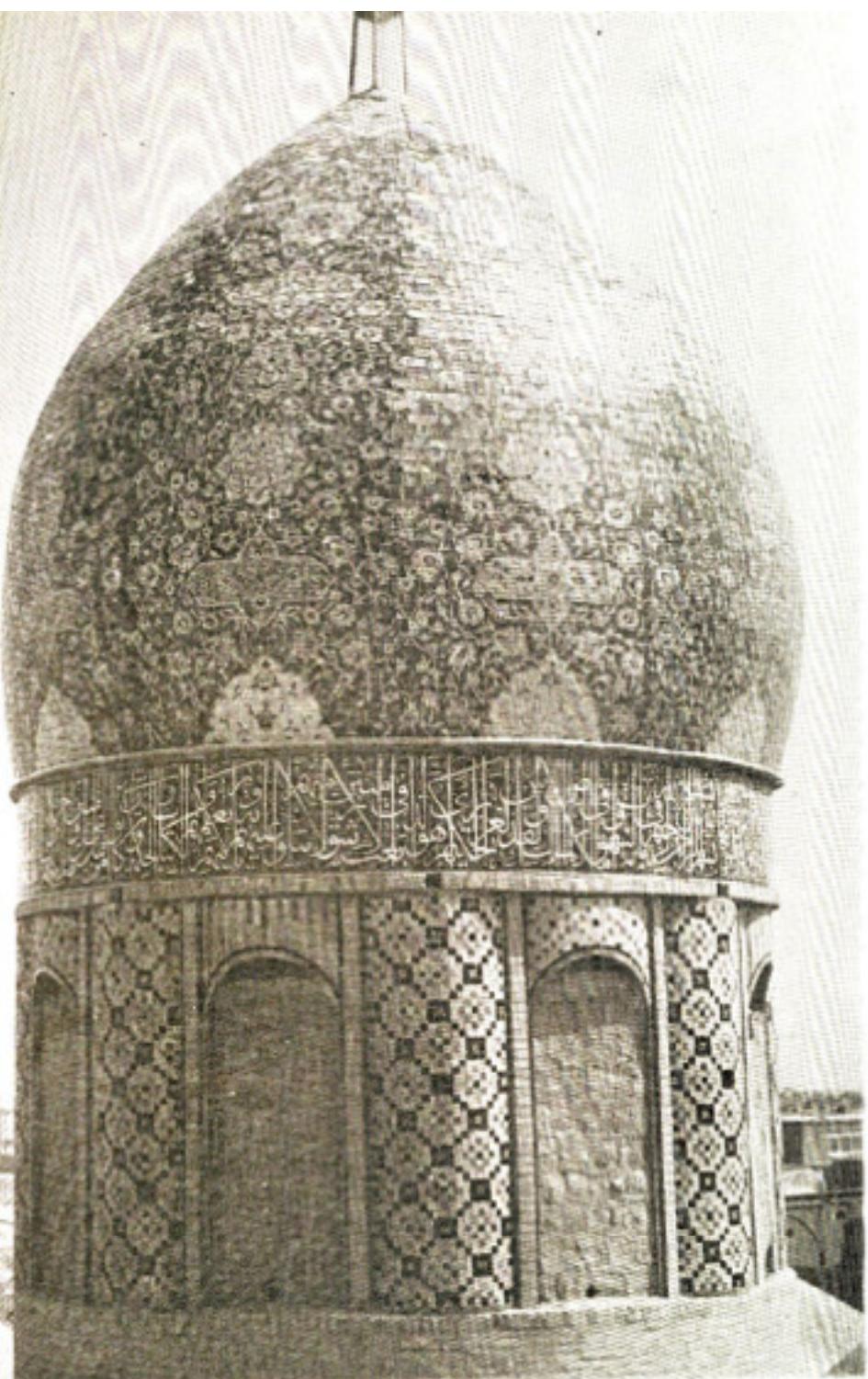
امامزاده رکن الدین - گنبد دوبوش گسته



گنبد دوبوش گسته میان تپه

Yazd. Mausolée Aboghassem
Nassr Abadi (coupole en terre).

یزد ، مقبره ابوالقاسم نصر آبادی (گنبد خاکی)



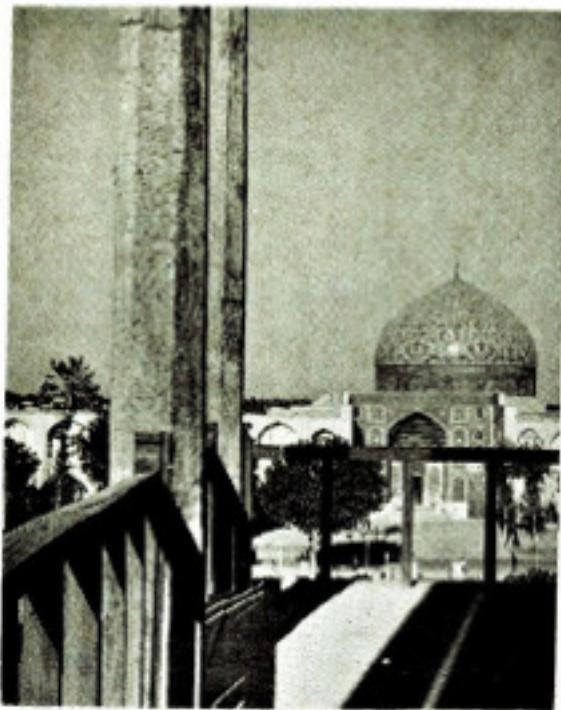
گنبد ناری با آوگون و گربو بلند .



گنبد ۴۵ درجه .



اصفهان ، مسجد شیخ لطف الله



Soltanieh. Mausolée de Tchellepi Oghlou, fils de Mouhana Djelalddine : les revêtements superficiels se sont effondrés.



شیراز ، تاریخ این حمزه گنبد های شیراز در بازسازی قرن اخیر هیات اصلی خود را از دست داده است .

Chiraz. Ali Ebne Hamzeh. Les coupoles ont perdu leur caractère original à la suite des rénovations du siècle dernier.

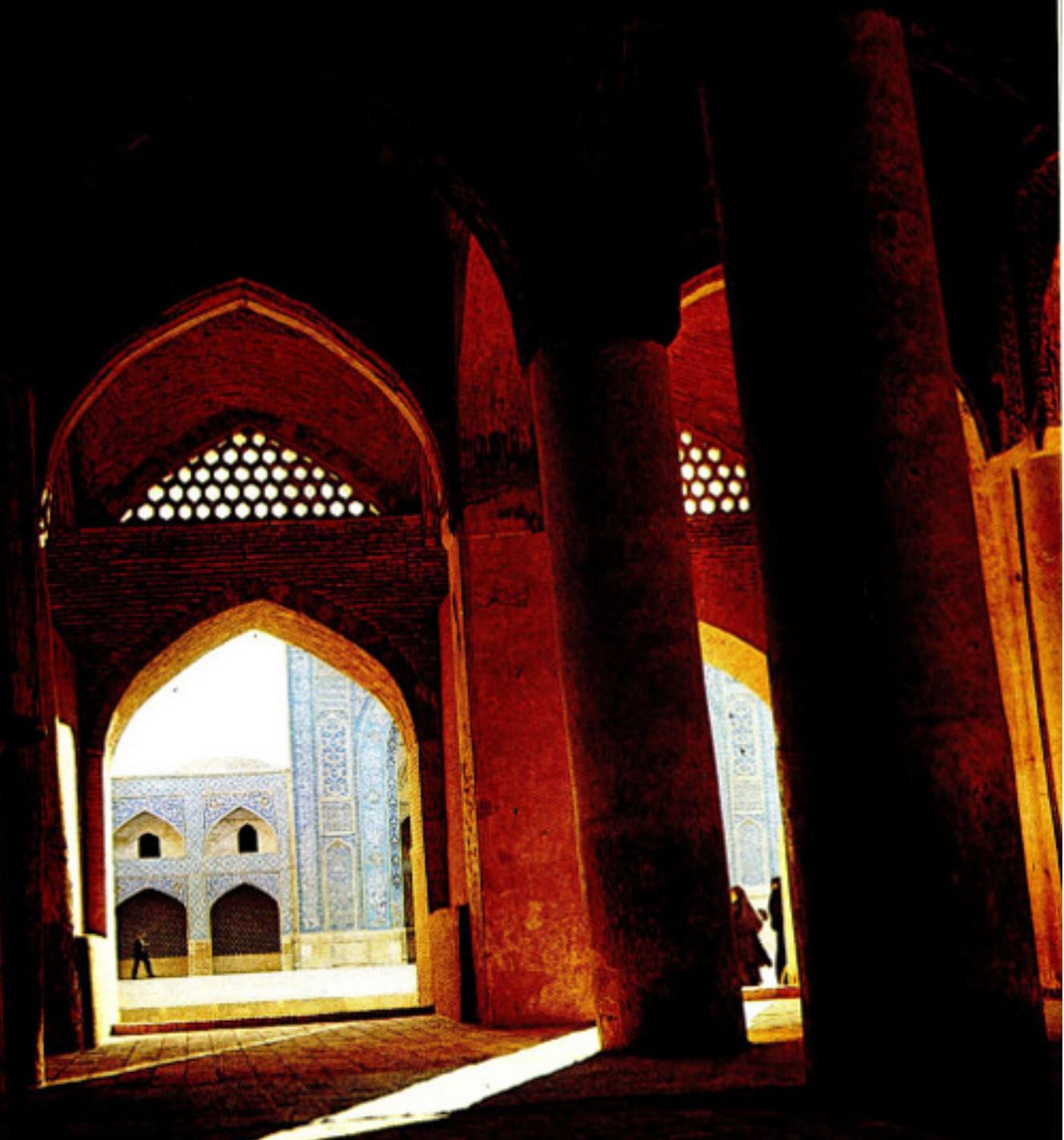
عَتْبَرَهُ جَاهِيَّ اقْلُو فَرِزَندُ عَوْلَاةِ جَالِلِ الدِّينِ در سلطانیه، پوش روئین گنبد ریخته است .



طَلَارُ اَشْرَف



مسجد شاه - گنبد دوپوش گسته



ARC DE VOUTE : KARIM PIRNIA

از : کریم پیرنیا

طاق

گنبد

از : کریم پیرفنا



از شهرستانها نیم طاق های پست بند را نیز
خوبینامند) .
۵ - فیاپوش

طاق که از چهار گوشه شروع شود و
کم کم خیز بردارد ، فیلپوش نامیده میشود.
ترنیه یا سکنج زیر گنبد ها را نیز بهمین
مناسبت فیاپوش مینامند ، ولی گاهی ترنیه
بعورت پنگانه یا پتگانه ساخته میشود که دیگر
نمیتوان آنرا فیلپوش نامید (ترنیه گنبد
های پیش از اسلام ایران همه فیلپوش است).
فیاپوش لازم نیست حتیما روی زمینه
چهار گوش زدمشود در ساختهای پیرامون
کویر (که هنوز خصوصیات معماری پیش
از اسلام را بخوبی حفظ کرده اند) پوش
آفاب اطاها و بویژه اطاها که میان دشت
و کنار جالیز ها فیاپوش است .

(در جنوب ایران ساختهایی را
هارا کانه (سوراخ - حفره) مینامند .
یعنی دارای طاق برآمده) .

۶ - کانه

برای هامون کردن بامها و بیدید آوردن
مهتابی و پیش بام لازم است که شانه و
فرورفتگاهای پشت طاقی بر شود برای اینکار
طاقهای کوچکی پشت گهواره ها (و اغلب
عمود بر آنها) ساخته میشود . اینگونه طاق
هارا کانه (سوراخ - حفره) مینامند .

۷ - پتکانه

طاقها و قوسهای کوچکی که بمنظور
شکر کردن دهانه ها یا پوشاندن روی پیلایه
های (پیلاستر) نما ، یا کنج های چهار
کانه طاقهایها و گنبد خانه ها زده میشود
پتکانه نامند (در مقابل کانه) .

۸ - پتگن

بر جستگی روی دیوار که بصورت
ددنده که کم کم پیش رود پتگن گفته میشود
مانند خوشة انگور ، این اصطلاح در مقابل
تگن و آجین یعنی شاندان خیزی در زمینهای
است .

۹ - چهار بخش

امتداد دو طاق که در میان چهار پایه
همدیگر را قطع کنند چهار بخش گفته
میشود .

ویز گیاهان طاق های ایرانی

هر جا سخن از طاق ایرانی میرود
کسانی گمان میبرند که گروهی ستایشگر
میخواهند همه زیبائیها و رزیزه کارهای
این شاهکار را بزور بایران بچسبانند . و
شاید پیش فتهای مردم دیگر را غایب میگویند .

۱ - بهمین مناسبت بصورت اینکه شاپور
ذوالکاف شانه سر کشان نازی را سوراخ
میگردد ویرا هویه سنبای لقب داده اند در
صورتیکه ذوالکاف بمعنای چهار شانه است .

و تبدیل به مسجد شده شان میدهند که این
نوع پوشش همیشه در نقاط مختلف ایران
معمول بوده است .

در این طرز پوشش گاهی میان آخرین
تowیزه و اسیر و دیگر آن طاق زده میشود که
یاک باکار آن پسر تویزه و دیگری روی
اسیر و در سطحی پائین تر از پاکار نخستین
است این نوع پوشش را گاهی پوش مینامند .
و نظر آن در ایوانهای جامع اصفهان و
اغلب بنایهای پس از آن بخصوص در گاخها
زیباد دیده میشود . (شاید صحیحتر و زیباتر
از همه در زیر خان عالی قاپوی قزوین چهل
ستون یا کلا کفرنگی باشد .)

طاق کجاوه مانند پیله دان کرم ایریشم
است و شاید بهمین مناسبت نام آنرا کجاوه
نهاده اند (در سفرنامه ناصر خسرو کزاوه
آورده شده) .

برای زدن چنین طاقی نخست گوشهای
میان دیوار یا دهانه در گاه و تویزه را
فیلپوش میکنند و سپس از چهار گوشه آغرا
پیش میآورند تا بصورت سبد یا زنبیلی ،
دهانه میان دو تویزه را پر کنند . در طاق
کجاوه افزار طاق همیشه تابع اندام تویزه
و دور در گاه میان تویزه هاست .

۲ - دز
در پیش طاقها وابویانه امولا تویزه ای
بزرگ قرار میگیرد که آنرا شاه تویزه نامند
برای زدن شاه تویزه نخست تویزه ای بیان دز
(یعنی پنهانی) در لای کار میگذارند و

زیر آنرا چیله میبندند (یعنی آجر یا خشت
را بصورت افقی و تیغه ای زیر آن را می -
چسبانند) . و روی دز را بالا میگفتند تا
سطرای لازم را بدست آورد و پتواند باکار
کجاوه یا فیلپوش و گهواره ایوان باشد .
(سطرای طاق و تویزه را طبره میگویند .)

۳ - هو - خو
(هویه به پهلوی و دری معنای کتف
و شانه (دارد) و مجموع شاه تویزه و
جزر های آنرا بخاطر شباختی که شانه ها و
بازو ها دارد هویه سنبای خوانند (شمانا در بعضی
بریز که اندکی پس از اسلام باز سازی

● طاق های ایرانی از لحاظ شکل و طرز
اجرا بدین قرارند :

۱ - آهنگ طاق لوله ای یا آهنگ
منحنی طاق را روی دیوار رویرو رسم می -
کند و گوشه ها را نخست فیلپوش میسازند
(یعنی از گوشه مانند تار کارته) و سپس
طاق را بصورت لمبه - چنانکه بر اسیر
تکه داشته باشد - میزندند تا به اسیر دیگر
برس و باقیمانده آنرا عمود بر طاق اصلی
میپوشانند .

نحوه اینگونه طاق در کلیه ایوانهای
قبل از اسلام ایران و پس از آنهم در جامع
کبیر بزد و مسجد مظفری کرمان و نظایر
آن دیده میشود .

۲ - طاق و تویزه :

تویزه دندۀ های طاق است که در فواصل
معین بصورت نگهدارنده اصلی پوشش بر پای
میشود . تویزه گاهی با گچ و نقی روی زمین
ربخته میشود و بصورت دو لنگه روی دیوار
استوار میگردد . سپس پارگاهی آجر ای
نخست پوشیده میشود و تکه گاهی برای
طاقهای فرعی ایجاد میگردند گاهی هم بصورت
قالب در زیر طاق گذاشته میشود .

گاهی تویزه های گچ و نقی در لای
کار میماند ولی اگر بصورت قالب باشد پس
از حمول اطمینان از استواری طاق ، آنرا
بر میدارند .

فاصله تویزه ها با طاق های گوناگون
مانند لوله ای ، کجاوه ای و رسی و کارپندی
بر میشود کهن ترین نموده طاق و تویزه در
ایوان کرخه دیده شده (تاکتون) کسانی
هم گمان برده اند که گویا فاصله تویزه ها
در این ساخته ایوان پوشش چوبی داشته است .

پس از اسلام نموده اینگونه پوشش در
ایران و پیرون از ایران گوئی زیاد دیده
شده است . که شاید کهترین آنها کاخ
اخیضر (مربوط به قره مطبان خوزی) باشد
ولی ایوانهای مساجد فردوس و گل آباد د
نریز که اندکی پس از اسلام باز سازی



اصفهان - مسجد شیخ لطف‌الله

طاق گُنبد

نهی ساخته شده و با دندنه های میان بندی و خیارهای ، استواری و پایداری آن تامین شده است .

شاید دلیل این نظر کاری و نازکی این باشد که معمار ایرانی از آغاز دریافته است (براستی میتوان گفت از آغاز) که اندام نیم دائره یا پاره ای از آن برای طاق مناب نیست و از همان روز های نخست با بیضی و ویژگیهای آن آشنا شده است .

دلیل این مدعای علاوه بر ترکیب و ساخت واژمهای طاق و قویزه (۳) که بش از این یاد شد ، اصطلاحات و معیار های دیگری است که هنوز هم معماران ایرانی در تقاضیه ساختمانهای طاقی متوجه نده بکار میبرند در اصطلاح بنائی آغاز طاق باکار و میانه آن شانه و قله آن تیزه است . میان پاکار و شانه آنجاکه طاق رو به پیرون ترک بر میدارد شکر گاه یا شکنگاه (زاویه ۲۲ درجه) و میان شانه

را از لحاظ نازکی (تعییه ای که بتواند عباره یا نخامت طاق را در پاکار و شانه بحداقل برساند ، ندارد .)

برای نمونه میتوان ابه (۴) آلب را با ایوان جامع فردوس یالی ریز (که اصل آن مریوما به پیش از اسلام است) مقایسه کرد . دیوار ابه آلب نسبت بدعاشه طاق آن خود بسیار سطیر و پیرون از اندازه است باز هم معمار آن پشت بندی هرمی بر آن افزوده است تا برای شکستن آن نگران باشد در برایر معمار ایرانی در ایوانهای یاد شده و تویزه هائی که از تن دیوار پیش کرده تا پتواند تا آنجاکه میشود طیره طاق را کم کند .

در گنبد های رومی (اگرچه دعاشه هایی فراخ و اغراق آمیز دارند) طیره پاکار کاهی هراس آور نده و پیرون از اندازه می بشود دربر این طیره گنبد سلطانیه با اینکه پیش از یک شانزدهم دعاشه در پاکار نیست میان

در صورتیکه ایرانی با داشتن نمونه های بسیار از آثار ارزشمند هنری در هر زمان و در هرجا از رهون سهم دیگران بی نیاز است . همه میدانند زمانیکه در ایران کاخهای پاشکوه با در گاههای بلند و طاقهای سپاهی ، بهناور ساخته میشد مردم کشور های دیگر هم شاهکارهایی از ساختهای کشن با دعاشه های چشم گیر داشته اند و کسی منکر این نسبتواند بود که طاق و گنبد یفتنهای کشور های باخته را میتواند روم از لحاظ فنی هنوز هم برقیب می باشند و کسی نمیتواند و نمی خواهد پیش فت اینان را در فن طاق زی و گنبد سازی انکار کند . چیزی که هست اغلب فن و هنر را با هم در من آمیزند و شاید از این نکته غافلند که جنبه های مادی و معنوی آثار را نمیتوان در هم آمیخت طاقهای گنبد هایی بر دعاشه با ختر زمین در روز گار کهن شاهکار فن است ولی میتوان پذیرفت که رفره کاری و نظری طاقهای ایرانی هنوز مان خود



قزوین - شاهزاده حسین



سلطانیه - گنبد سیوی

و تپه آنجا که طاق رو به درون فرو میریزد
او ارگام (زاویه ۷۰ درجه) و کلایه طاق
درست در جاییکه در موقع فرو ریختن تا
میشود کلکن گفته میشود.

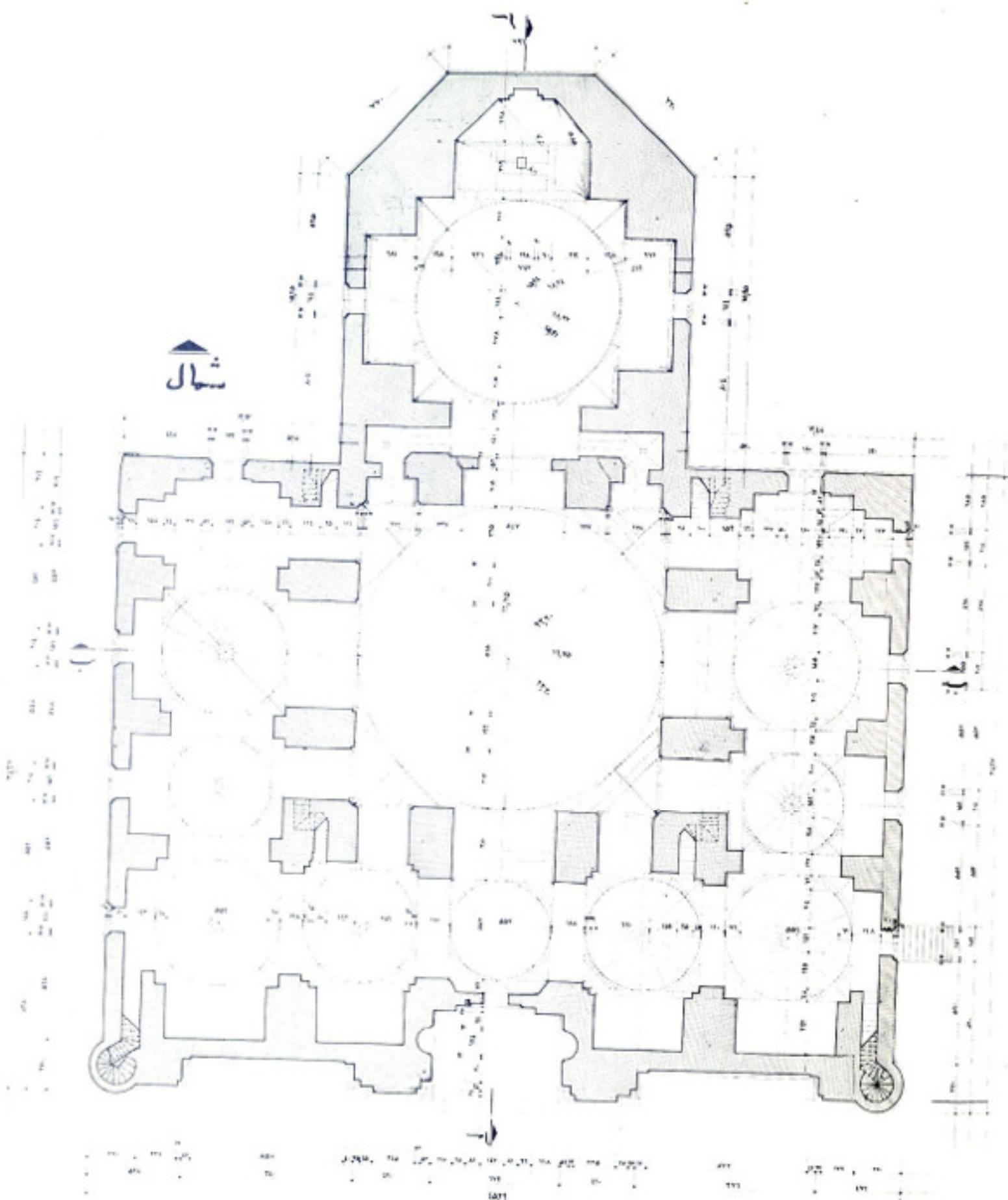
۲- واژه ابه از آبه فارسی در ایدانه و
ظایر آن گرفته شده که معنای بنا و سر
پوشیده است و در واژه های گرمابه سردابه
گودابه و ظایر آن بصورت پسوند آمده
است.

۳- در طاق (تاكه) و توپه جزء
نخست پیشوند ته معنای پوشش و برابر علیای
عربی است و هاک (حقة) و ویزه (بیضه)
هر دو معنای محفظه تخم مرغ و سر
پوشیده است و در گیلان پلهای طاقی مرغانه
برت (یا پل تخم مرغ) میگویند. داش
در آلمانی معنای طاق.



Tabriz, Masjed Kaboud

تبریز، مسجد کبود



**Plan de la mosquée Appelée
"Masjed Kaboud"**

برای پیش گیری از فرو ریختن طاق معمار ایرانی منحنی آنرا در شکر گاه بدرون و در آوارگاه به بیرون و در کلکن به بالا رانده است و در تیجه طاق بدست آورده که در هر نقطه برای پایداری تضمین کافی نارد.

در طاقهای ناری (بیضی و نعلی شکل) و جناغی اندام طاق با فعالیت آن منطبق شده و در طاق کلیل نیز که نمیتواند افزایش (ارتفاع) کافی داشته باشد تا آنچا که توانسته دیوار را کرده باشد (پیش گرده) و آنچا که بیض فرو ریختن و شکستن میرفته چیزی کلاله آنرا اندکی بالاتر زده و گرفتاری آوارگاه را بدبستان حل گرده است.

برای آشنازی یا طاق ایرانی بدبستان که اصطلاحات آنرا در اینجا بیاوریم.

ارتفاع از پای طاق را افزایش و قطر آنرا (از درون) دهانه میگویند. از پای طاق تا شکر گاه پاسکار و از شکر گاه تا آوارگاه شانه و از آوارگاه تا تیزه (قله) کلاله است و نسبت افزایش به دهانه خیز، نامیده میشود.

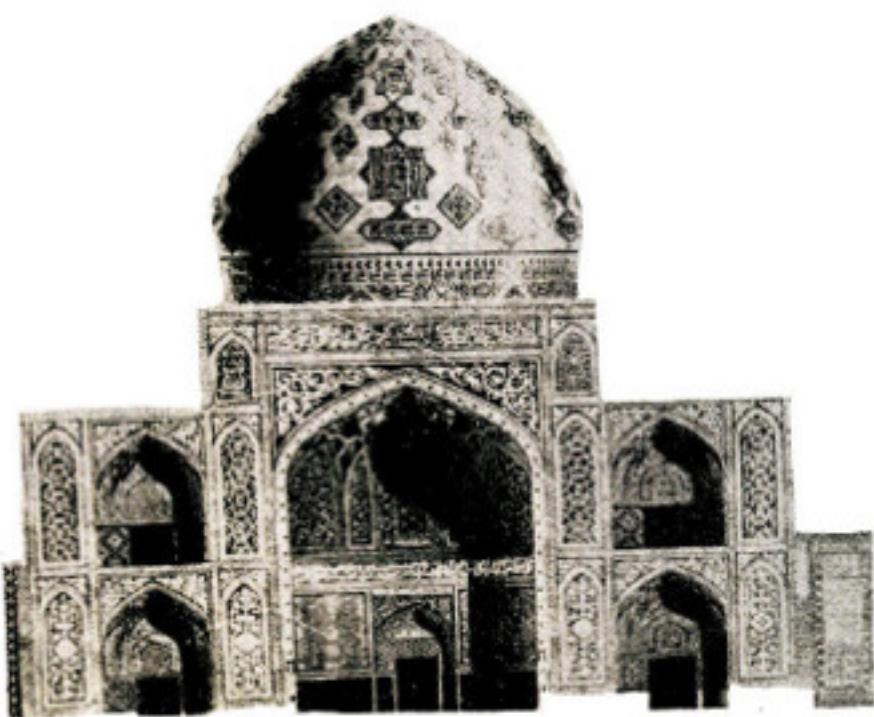
غالباً پاکار طاق اندکی از جرز پیش میشیند این پیش آمدگی را اگر ساده باشد چانه و اگر اندام و شکل ویژه ای داشته باشد گلولوئیه گرد شده نامند.

گاهی برای اینکه راش طاق (ویژتر گبید) متوجه درون شود باید آنرا تومی کشند این نقطه از طاق را آوگون گویند (یعنی تغیر شکل داده و وارونه شده) فاصله کلاله و تیزه طاق ورگاه تاقاب و کتیبه بالای آن چکه (چکار = پیشانی و جبهه - جقه) و سه گوشهای دوسوی آنرا لجات گویند.

گبید:

در همه زیانهای زند و کهن جهان نام گبید ریشه ایرانی دارد (۴)

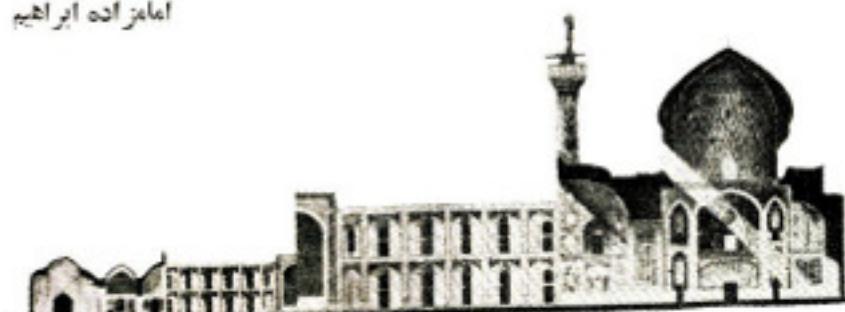
اندام تخم مرغی گبید ایرانی (در هر زمان و بهر سیک) بما میگویند که ایرانی از دیر زمان میدانسته است که گریش آن برای پوش ساختمان منطبق است حال از قسم دیگری آموخته یا از طبیعت فرا گرفته ما چه میدانیم؟ آنچه مسلم است مدرکی که حاکی از اطلاع افواه دیگر از روز این منحنی باشد در جای دیگر نمی‌باشد. وقتی با توسل بعلم امروز منحنی فشار و راش یا هیاتوار گبید را رسم کنیم درست بر گبدهای ایرانی منطبق میشود و حال آنکه گبدهای کهن با ختر زمین اغلب به هیات نیمسکره است و منطبق ریاضی ندارد.



امانزاده محروم



امانزاده ابراهیم



نحوه یک گبید نار

Mahrough

Imamzadeh

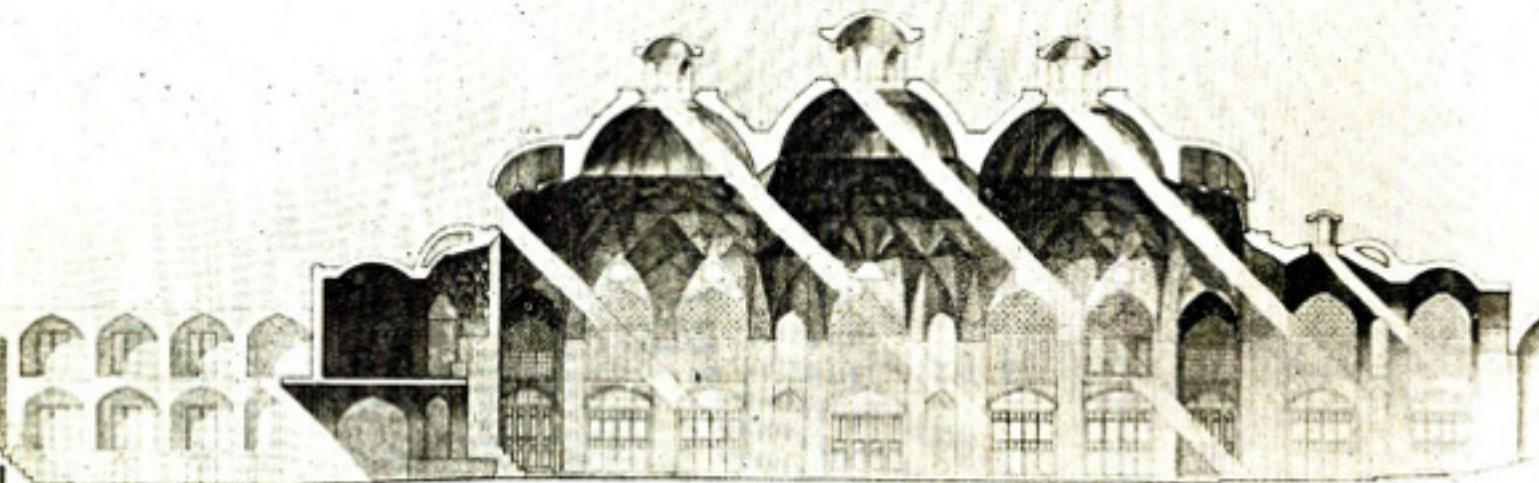
پندانسته و گمان کرده‌اند که این کاربندی (۶) روسازی خرگاهها و جادرهای پشمین و گلیمیه ترکان است (شاید در این مورد دستاسناده تعصیت هم دخالت داشته است).

نهادن گنبدیک راست بر روی تربه بی‌چیز چین و شکنج و گاربندی رسمی و بزدی (که یادگاری از معماری پیش از اسلام است) نیز از این خطا برخاسته و از مدرسه زیبا ولی کوچک شهاب‌الدین قاسم طراز بزد برآم افتاد و همراه با معماران دستگاه قرموقیانوها از راه کاشان به تبریز رسیده و نخست در مسجد کبود و سپس هرچه نظرتر و بیراسته تر در مسجد شیخ‌الله

های فیاپوش یا، پتکانه هشت‌گوش گردیده و سپس بالا‌فصله دور شده و چون واعده‌ای از ارتفاع و شکوه بیرون از اندازه بوده بسادگی گنبد بر زمینه و نشیم گرد شده است.

این طرز گنبد سازی در شهرهای جنوی و مرکزی ایران و نقاطیکه با مرکز تمدن و دیگر گون شده پس از اسلام ارتباط وابستگی زیاد نداشته هم چنان بجای عاده و می‌بینم پس از آنکه حمله، سیعاه مقول کاخونهای اصلی پیش‌رفت هنر معماری ایران مانند خراسان و ری را نهی از مردم هنرمند کرد، شیوه کهن گنبد سازی بر روی تربه

در کلیه ادوار تاریخ معماری طاق و گنبد ایرانی در شکر گاه بسرون و در اوراگاه به بیرون متایل شده و حتی گاهی با نشستن کلاله دو نقطه خطر و شکست تغیر محل داده و به پاکار و شانه گردیدکتر و احتمال شکستن و فرو ریختن آن بسی کثیر شده است. این قاعده‌ها در کلیه اخواع طاق و قوس و گنبد چه کلیل و چه جناغی چه گنبد ناری (پیازی) و چه رک (مخروطی و هرمی) چه کلاله دار و چه (کاخونهای اعمال شده و نقاط ضعف از میان بی کلاله اعمال شده و گنبد در شکر گاه رفته است. گاهی منحنی گنبد در شکر گاه تغیر مسیر داده و بداخل متایل شده این



تم بزرگ قم مطلع‌خوانی.

ARCADE OF GHUM - CROSS SECTION

اصفهان (توسط معمارانی که شاید همراه شاهان آذربایجانی صفوی بوده‌اند) بکار رفته است زمینه طاق‌پیش‌هایی که در ایران کوئن بسیار متعدد بوده بطوریکه مخصوصاً در دوران ساسانیان دو گنبدخانه و مقصوره را نمیتوان یافت که بهم شاهانی داشته باشند. زمینه چهارگوش گنبد معمولاً در میان و گوشها مرتع کامل و در دوسوی گنبد های اصلی مستطیل تر دیگر بمرتع بوده و کسانی بعضاً گوشه‌هایی که مثلاً دو گنبد طرفین طاق‌پیش‌هایی و میان کاخ اردشیر (در شهر گور) را هشت‌گوش کنند در صورتیکه چنین زمینه این دو گنبد شش‌گوش

۵- بازه یا مسجد پیدا خویید بزد تنها در شکر گاه گنبد بعد از تعمیر شده و مستخرور گشیده و ساخته‌ان اصلی بخصوص کار بندی زیر گنبد آن بسیار کهن است.
۶- کاربندی و مفترس در بخش دیگری مورد بحث قرار خواهد گرفت.

های ساده و گاربندی بی‌بیرایه بزدی توسعه هنرمندانیکه در پایه‌تخت ایامخانان ایرانی شده و مغول در آذربایجان گرد آمد و بودند و سپس، همراه هنرمندانی که تیمور پسرای نوسازی پایتخت خود به سرفقد و شهرهای دیگر خراسان کوچانیده رهسپار مرکز اوین معماری اشرافی شده است. بزدی بندی در مهرابه یا بازه پیدا خویید (۵) بزد (کفلا) با مهرابی سنگی که تعمناً گچ کار گذاشته شده (یا مسجد کوئی آن آبادی پیش از میخورد که از آغاز اسلام یا اندکی پیش از آن هم چنان دست تخرورده بجای ماتده و با معماران بزدی و اصفهانی و شیرازی (که خوشبختانه نامشان زینت یخش گور) امیر و مسجد بین بی‌خانم (همسر تیمور) و بقمه قاشی پسوند سایر بناهای سرفقد و مساجد و خانه‌های خراسان کنوی که در دوران فرماتروائی تیمور و فرزندانش ساخته شده) شمال ایران رفته و فرزنداتش ساخته در بناهای پیش از اسلام ایران می-

نقشه را در گنبد آوگون گویند یعنی جاییکه حالت و وضع گنبد دیگر گون شده و بر عکس چهت نخستین برهه افتاده است. این بزد کوشش است بسیار تعریف شده در راهنم رانش گنبد پدروران آن. زمینه چهارگوش گنبدخانه‌ای طاق‌پیش (مقصوره) با چهار سکنج یا تزئینه فیلموش پنکاهه هشت‌گوش و سپس با طاق بندی شکنج رسمی یا گاربندی بزدی شائزه گوش و بالآخره دائره شده و گنبد بی‌روی آن استوار گردیده است.

زیر گنبد سازی:

زمینه سازی و گاربندی گنبد و تهرنگ طاق‌پیش آن از آغاز تاریخ معماری ایران تاکنون با یک، قاعده صحیح و منطقی تقریباً بیک طرز پیش رفته ولی مرتب‌با شکنج ها و گاربندی ها هر داشته تر و مردم وارتر شده است. در بناهای پیش از اسلام ایران می- بینیم که زمینه چهارگوش گنبد یا تریه

از آن در جامع اصفهان هست بطرز بی نظیری اعمال شده) . و یکباره پس از حمله مغول به عالی که پس از این می‌اید تغییر شکل داده و منتقل شده است .

پس از کشtar ستمکارانه مغول تا زمانی دراز لاله هائیکه بر خاک شهیدان شادیاخ نیشابور و بامیان بلخ رسته بود داغ بر دل داشت ، خراسان از مردم تهی شده بود و در ویرانهای ری حتی بومهم پارای پائیدن نداشت . هنرمندان خاور و شمال ایران نیاه شده بودند و بازماندگان انان هم (اگر باز هاندهای می‌بود) پیش هائی گریخته بودند که فرمافر وایان آنها با حسن سیاست و سازشکاری و سلوک و آب افتابندن برآتش مردم خواری درندگان ویرانگر و پا پذیرفتند باج و ساو ، از ویرانی و تباہی آنها پیش گرفته بودند .

خوشبختانه شهر ها و آبادیهای فارس و کرمان و یزد تا اندازه ای از ویرانی رست و این منطقه گنجینه ای از ذخایر هنری ایران

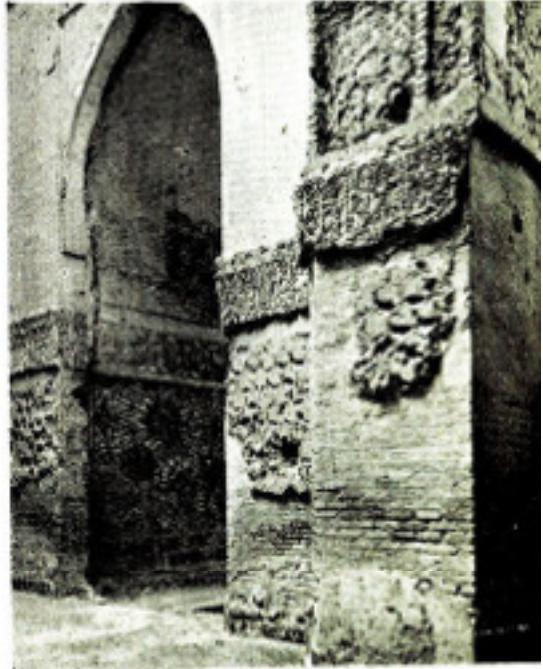
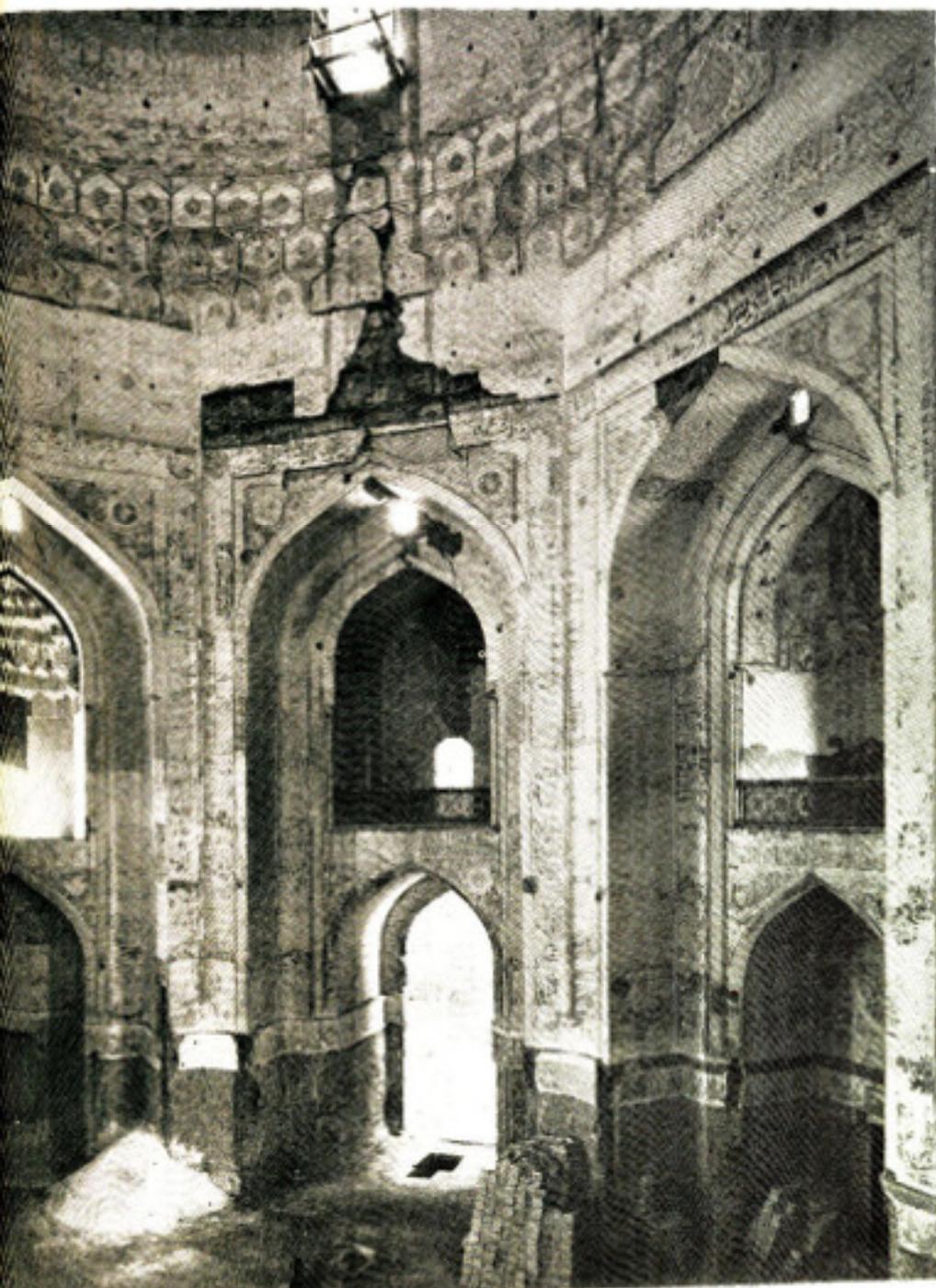
است و پوشش شش گوش و دوازده گوش بخصوص در مهرابه ها بیان رایج بوده و نمونه آن در زیر زمین جامع محمدیه تربیک نائین و مهرابهای گه در دل کلیسا طاطاووس قدیس در سلطام کاکو است بخوبی دیده میشود (هرجند که طاق قدیس کلیسا بازسازی و دگر گون شده است) زیر سازی و شکنج زیر گنبد پس از اسلام بر اثر علاقه ای که بفرم وار شدن و فرار از شکوه و فراز جوش بیهوده اعمال میشده با طرح زمینه هست گوش پیاری ترنیدها یا دبه بندی های پتکانه و پتگین و فیلیوش و سین شکنجهای رسی روی هشت برخنش (پاره ای از دارمه با خیز کم) و سپری ها و پتکانهای شمازده گانه و شاپرک ها و گریوارها تامین میشده است و پس از آنکه معماران ایران دل و دماغی باز یافته بودند کار این شکنجهای بوقوه در سبک شکوهمند رازی بیار استادانه و با تفنن پیشرفته (هم چنانکه در طاق بندیهای رازی که خوشبختانه نمونه بسیاری

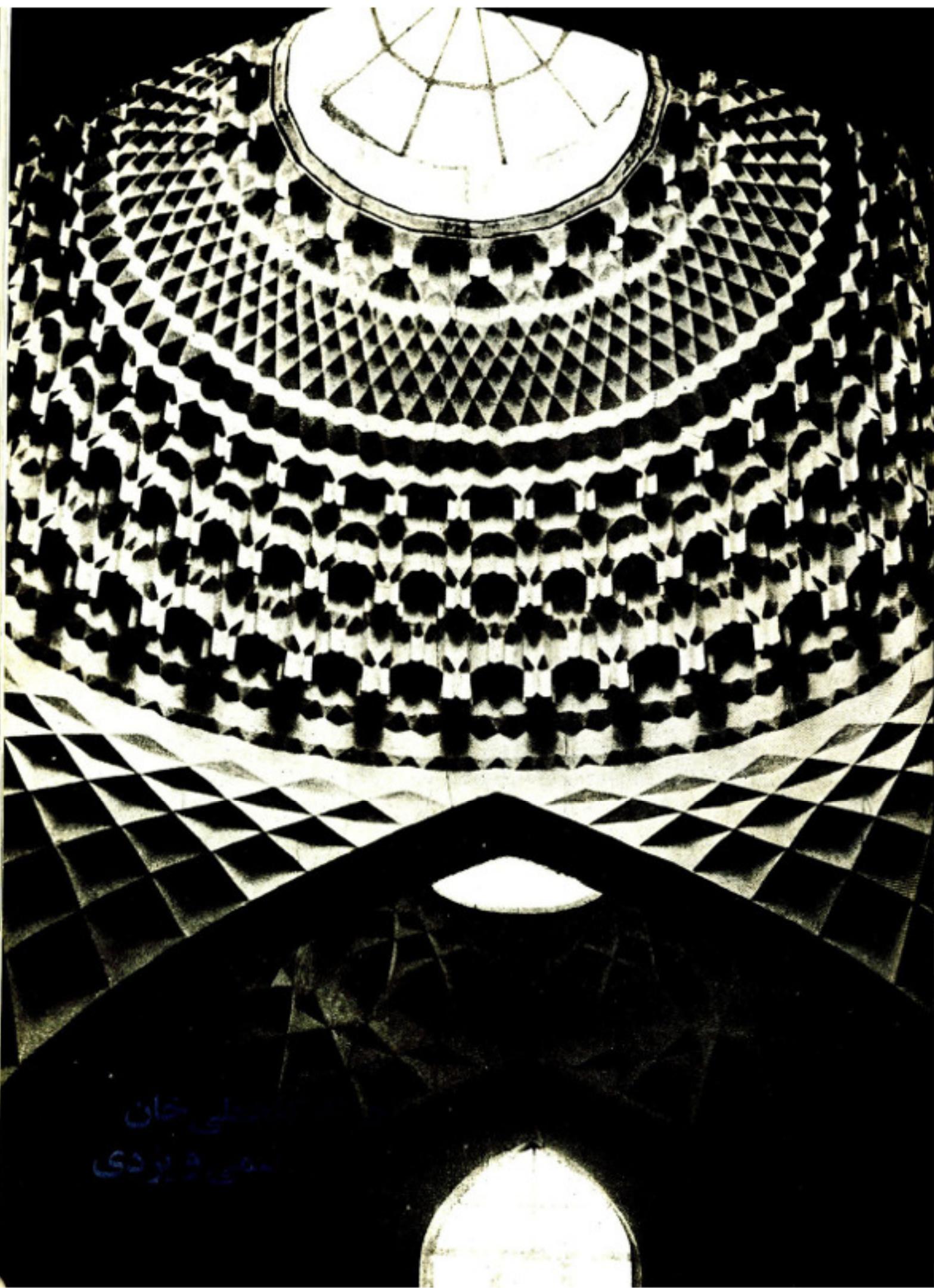
۱ - مسجد کبود

۲ - سلطانیه

۳ - شکنج سازی زیر گنبد سلطانیه

1. Masjed-é Kaboud
2. Soltanieh
3. Décoration architecturale sous la coupole





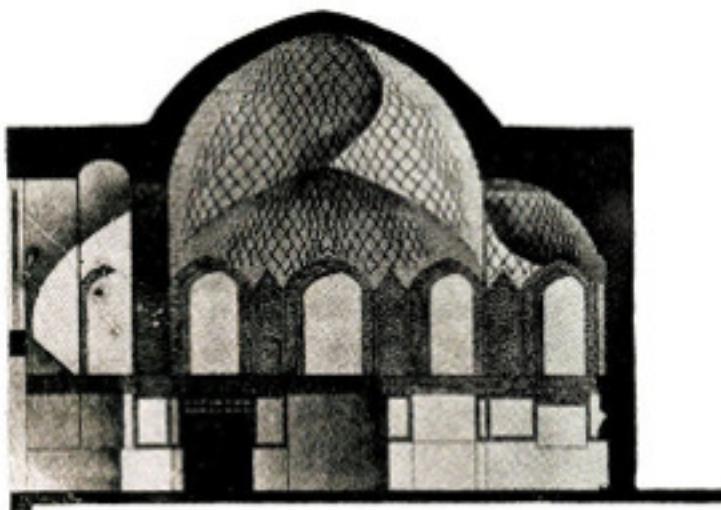
امیر خان
می و بودی

شده که تسبیتاً از قاراج پر کنار هاده بود . در این دوره تعداد بسیاری مسجد و مدرسه و خانقاه در حمایت پیر گان و حامیان بازوق ، معماری در فارس و کرمان و بزد ساخته شد . و این هنرمندانه میدانی برای هنر نهانی استادانی شد که از سراسر ایران بدان حدود روی اوردند بودند .

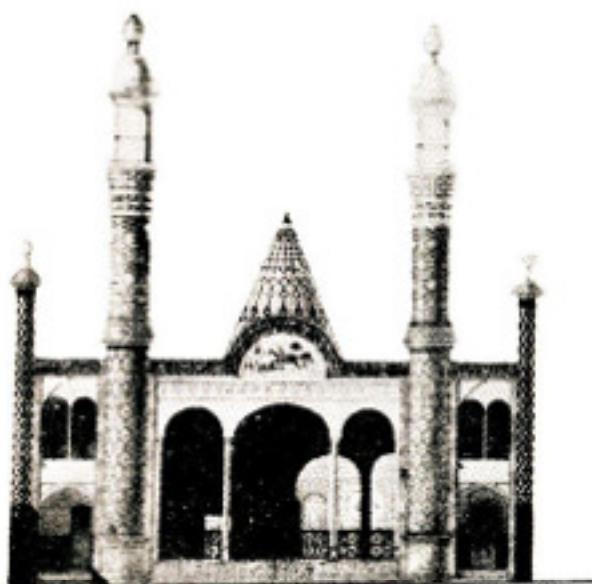
با دستیابی بگنجینه های هنر معماري پیش از اسلام که در این حمله ذخیره شده بود روش های تازه ای از تو معمول شد و در واقع رستاخیزی در معماری ایران بوجود آمد که آثار آن سراسر ایران را گرفت . پیش از ظهور تیمور بر اثر خود کامگی و برتری جویی امیران و امیرزادگان این ناحیه جنگها و برادران کشیها و آشوبها و آشتگی ها مردم را به تنگ آورده بود و کانی را که راه بجایی داشتند بویژه داشتمدان کانون های فرماتروائی نیرومندان را پیش و هنروران و سخندانان راه پایتخت ها و گرفته و آنانکه چون خواجه شیرین سخن شیر از « نیمه باعیانی و آب رکنایاد » رخمت جلای وطن پاییان نمیداد آرزو میکردند که در راه یکبارچگی و قیرومندی ایران « دستی از غیب برون آید و کاری یکند » و چنین هنرمندید که تیمور را فیض همان دست غبی میدانستند تا جایی که شاعر آسمانی با صنای خوش باوری میگفت « خیز تا خاطر بدن ترک سمرقندی دهیم . گر شیمش بوی جوی مولیان آید همی » .

تیمور سراسر ایران را آفروز گرفت و برای ساختن پایتخت خود سرقت هنرمندان و پیشهوران را در آن شهر گرد آورده . کاربندی پزدی که پس از قرنها بازجای خود را در زیر گنبد ها یا زکرده بود چاشن شکجهای رسمی شد و گنبد گرسودار (گردهدار) که پدیده مای ، اخنطاری برای پوشش دوم که پوشش های پزدی (۷) هنرمند اگر چه مدتها پیش بر آرامگاه سلطان پخت آغا (همسر محمد مظفر) و بقعه شیخ داود در نصر آباد و چند بنای معروف دیگر خود نهانی میکرد چنان عمومیت یافت که نشانه و شاخص بنای های آن دوره شد و بالاخره نهادن گنبد بر روی چنبر ساده بی شکنج و کاربندی مانند آثار پیش از اسلام از نوجوان گرفت و چنانکه پیش از این یادداش در جنوب ایران به کاشان و آذریابیجان ره سپرد و باز پاصلقهان و جنوب بازگشت .

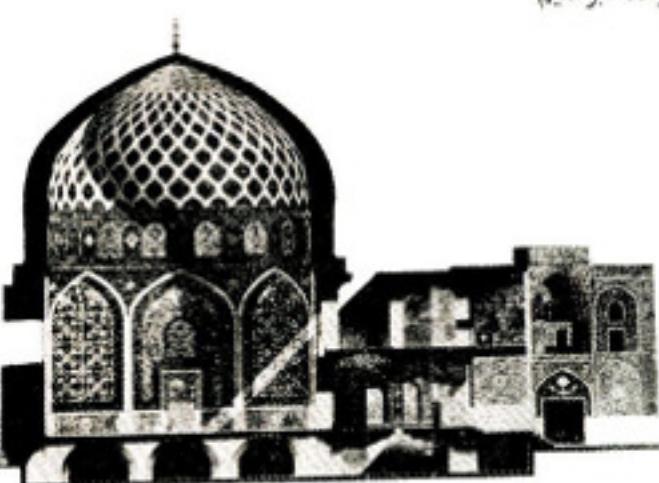
زیرینندی گنبد و رسم ها و شیوه های آن چندان گونه بگوئه است که در این مختصر ، نمیگنجد و هر یک از آنها می تواند موضوع رساله و دفتر جداگانه ای باشد .



طالار اشرف



شاهزاده ابراهیم



مسجد شیخ لطف الله

Isphahan, Mosquee Cheikh Lotfollah

۷- روی پزدی بسته تاچار باشد تو پزده دزده شود که وجود آن پشت گنبد را ناهموار میکند و فاصله پوشش دوم ناگزیر است .

LES MONUMENTS DE
 PRECIEUX EXEMPLES
 ROIS ACHEMENIDES
 LE GRAND
 CYRUS LE GRAND ET DARIUS
 PERSEPOLIS ET DE SUSE:
 DES IDEES NOVATRICES DES
 PAR ISSA BEI INAM .



ساختمان‌های تخت جمشید و شوش نمونه ارزشمندی از
 طرز فکر شاهنشاهان هخامنشی ، کوروش بزرگ و
 داریوش بزرگند .

از : عیسی یهnam

نونه زندگی از طرز فکر شاهنشاهان هخامنشی، کوروش بزرگتو داریوش بزرگند.

در نظر اول هر کس ویرانه های تخت جمشید را بیند پیاد معبد پارتون پرستشگاه های فرعون مصر خصوصاً معبد کرنک، کاخ های پادشاهان آشوری در نینوا و خرساباد میافتد.

ظاهر امکان مقایسه کاخ های تخت جمشید و شوش با اینه فوق آنقدر ها از منطق دور نیست ولی عملاً ویرانه های پادشاهی از دوره شاهنشاهی هخامنشی با هیچک از آنها نمیتوانند مقایسه گردد.

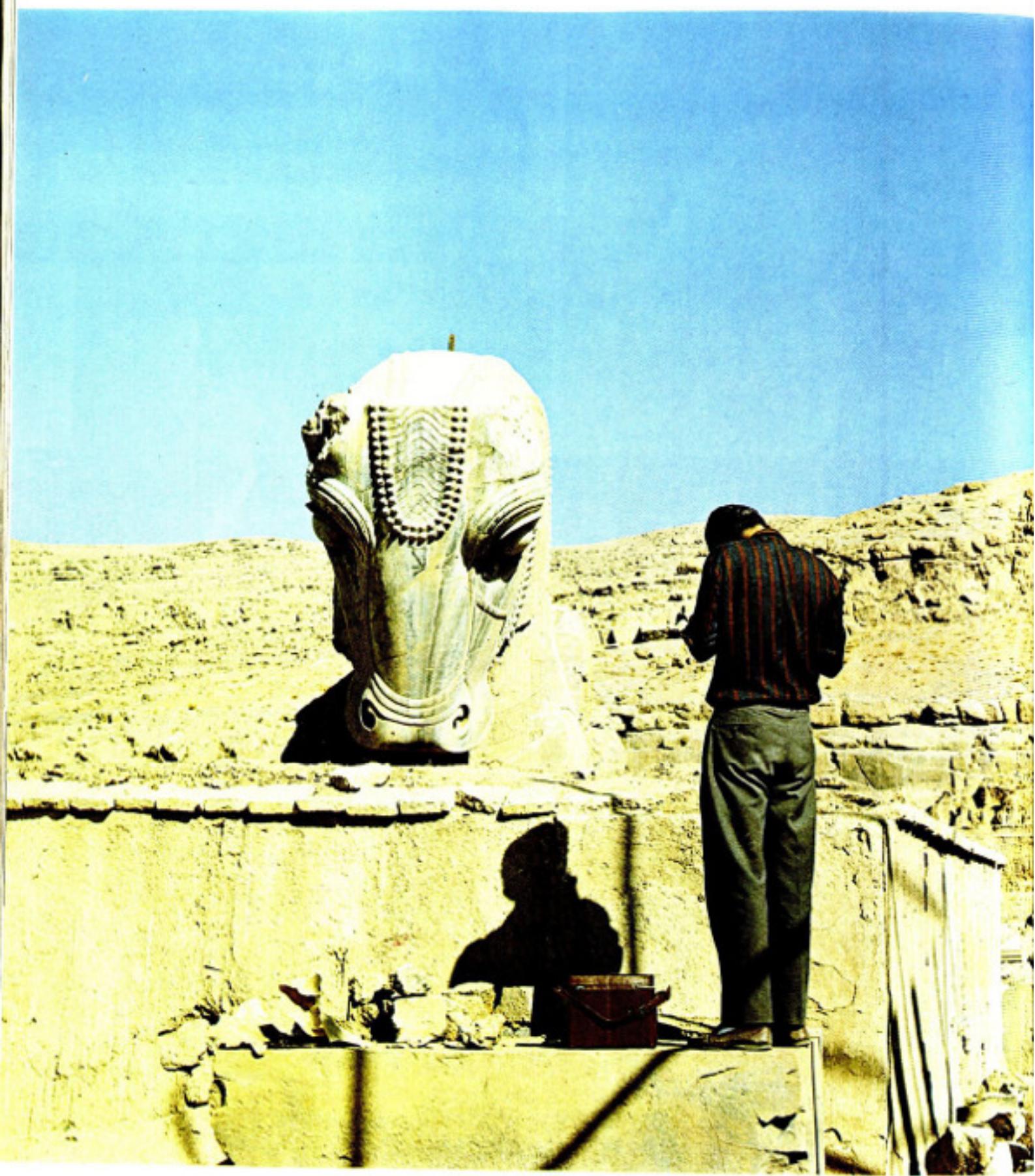
کاخهای تخت جمشید و شوش تقریباً ۳۵ سال پیش از معبد پارتون در آن ساخته شده‌اند و با وجود شباهت فوق العاده‌ای که بین ستون های شباردار تخت جمشید باستون های دری دریونان وجود دارد و با وجود شباهت نقوش بر جسته پلکان آپادانای تخت جمشید پاره‌بیف «فریز» پارتون که اکنون در موزه لوراست و دیوار های داخلی معبد پارتون را زینت میکرده، بسیار غیر منطقی است که بگوییم سازندگان تخت جمشید و شوش از معبد پارتون الهام گرفته‌اند.

درست است که شباهت هایی بین پایه های ستون کاخ صدستون تخت جمشید با پایه ها و حتی سر ستون های معبد «کرنک» وجود دارد ولی فاصله بین این دو ساختمان از حیث زمان بقدرتی زیاد است که امکان تقلید یا اقتباس را باید بهر نحو از نظر دور کنیم.

شباهت با ساختمان های آشوری بیشتر در کاخهای تخت جمشید بجهنم میخورد، ولی این شباهت کاملاً صوری است و سنگ تراشانیکه در تخت جمشید کار کردند با اینکه نقوش بر جسته و خصوصاً مجسمه های حیوانات فرضی بالدار نینوا آشور را هنوز بخاطر داشته‌اند ولی آن نقوش را یکلی با طریق دیگری در تخت جمشید بکار برده‌اند. در واقع مدارک کتبی لوجه های گلپیش که از آرشیو های تخت جمشید بدست ما رسیده لوحه‌ای که بدستور خود داریوش در زیر ساختمان شوش قرار داده شده و بسیاری از مدارک واقعی دیگر که ذکر آنها در این مقاله موجب تعلیل کلام میشود، نشان میدهد که برای بریا کردن کاخهای تخت جمشید و شوش، داریوش درگاه از تمام منتعملان مصری و یونانی آسیای صغیر و باهی و شامی و عادی استفاده کرده است. (بقیه در صفحه ۴۵)

نتایی از چند ستون ویاک پایه ستون.

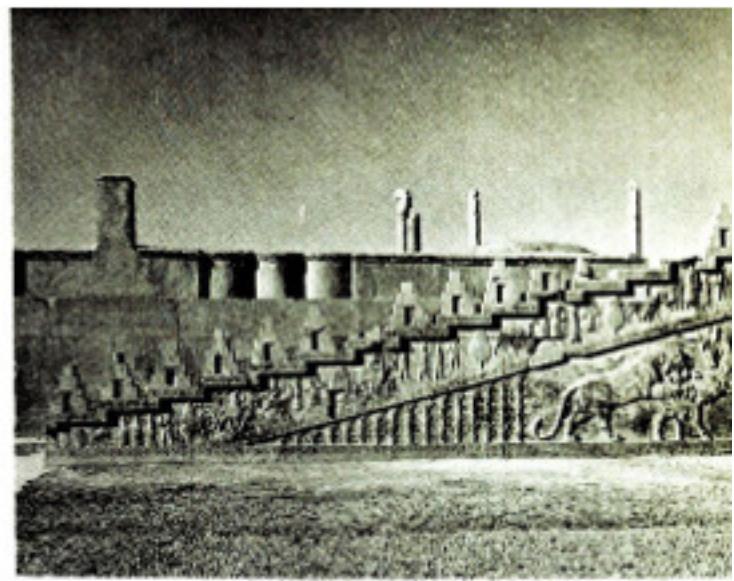




فنون معماري

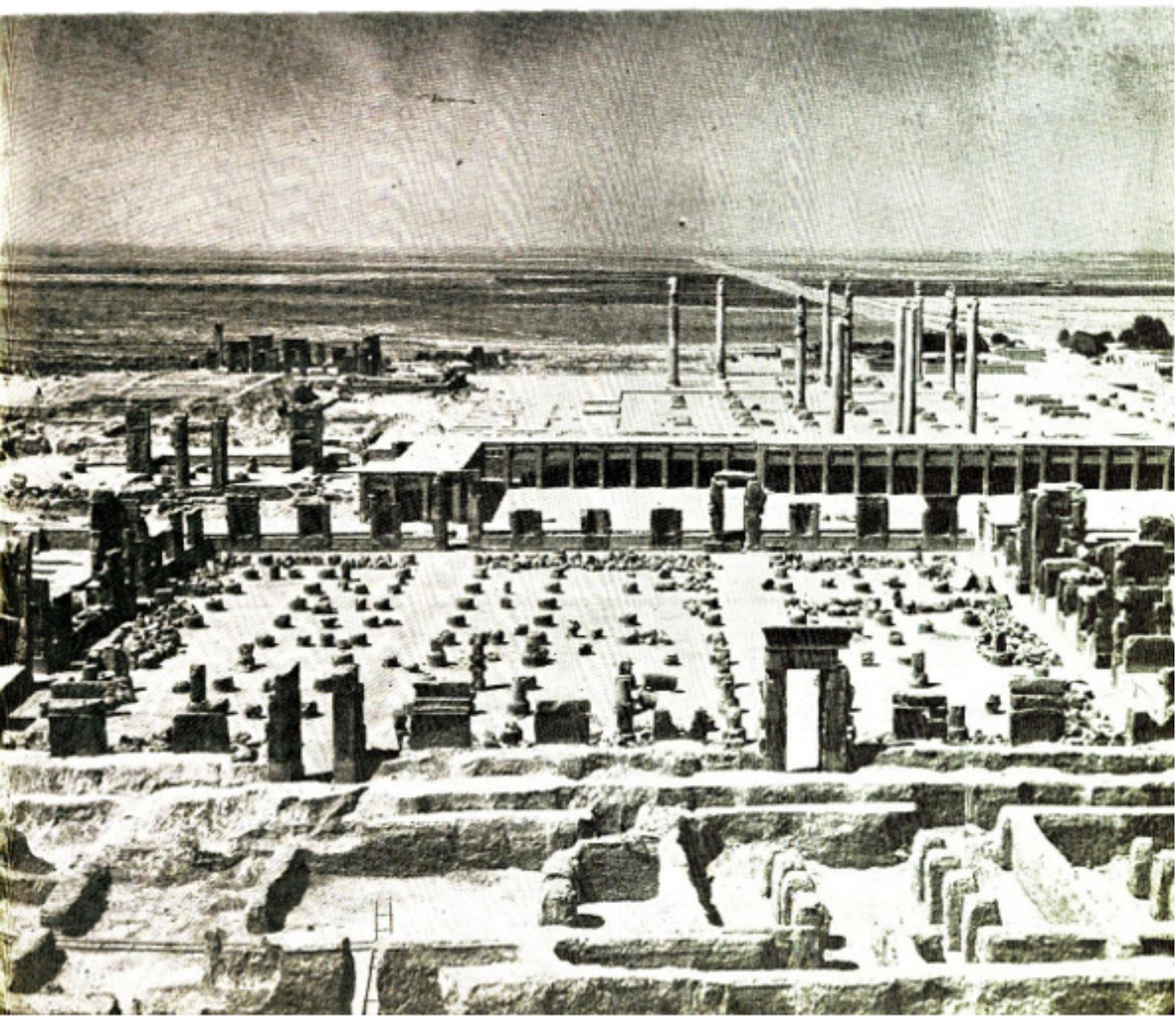


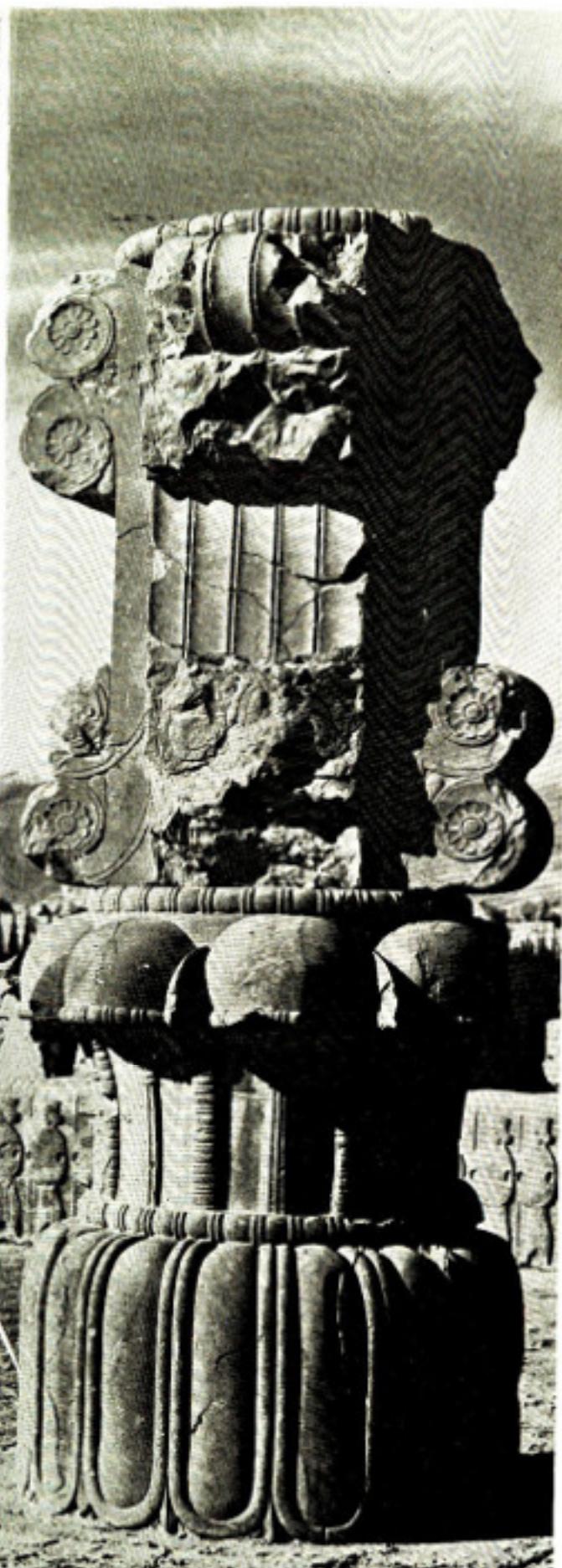
پایه ستون به شکل مجسمه‌ای از ۳ شیر نشسته
نمایه‌ای از مجتمعه‌های تخت جمشید.



پله‌های ساخ آپادانا

Vue d'ensemble de Persépolis.



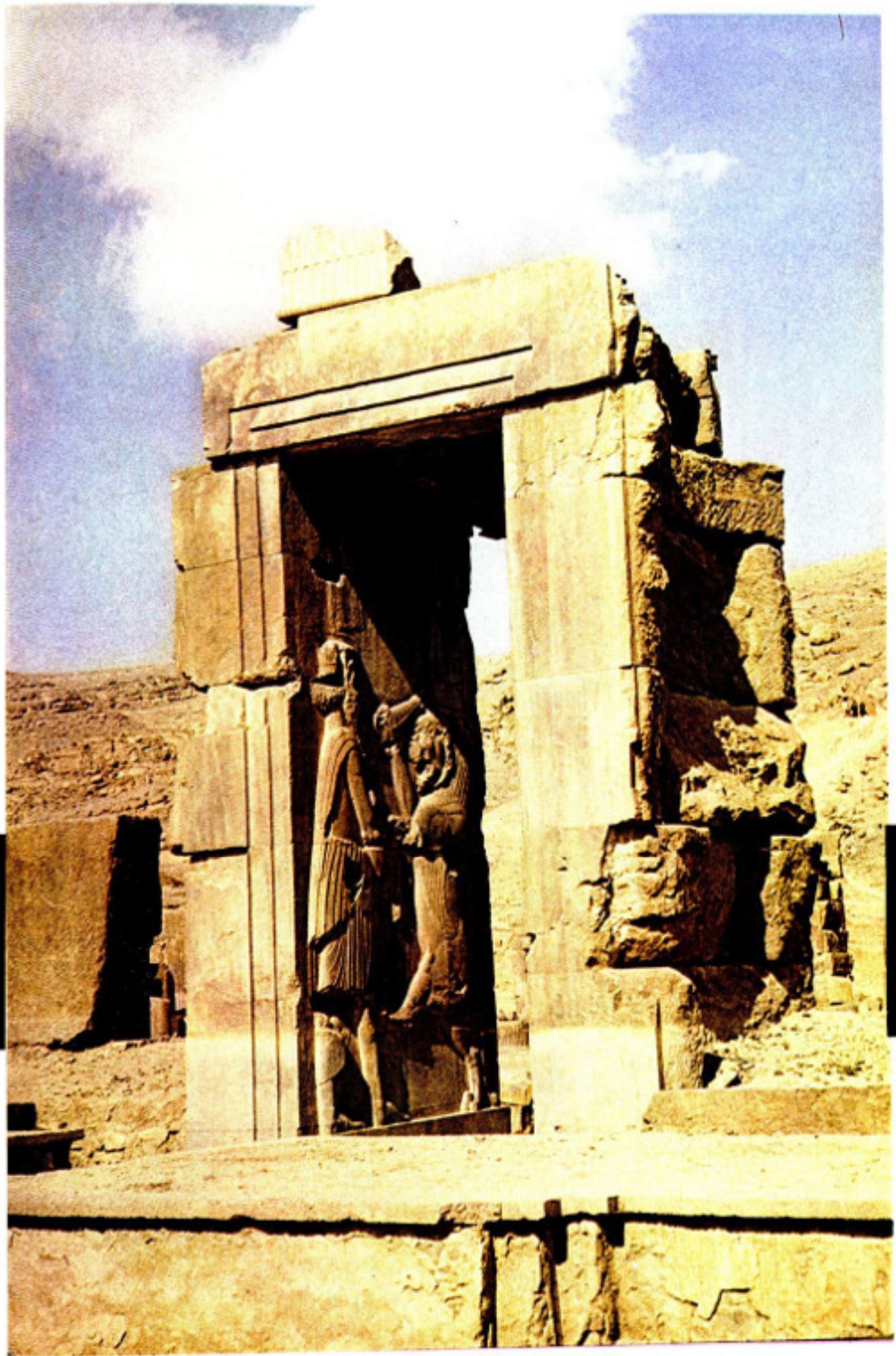


من برای نخستین بار این فرضیه را اثکار میکنم و ممکن است خوانندگان نهذیرند ولی ممکن است تحقیقات بعدی آنرا تائید نماید.

من تصور میکنم که اصولاً پارس‌ها یعنی مردمی که در عرض مدت ۱۰ سال با سر کردگی کوروش بزرگ از هندتا مدیترانه را جزو همسر قات شاهنشاهی ایران گردند اشغال به سنگتراش و بنایی و این قبیل کارهارا برای خود کوچک میداشتند آنها از کودکی سواری تیر اندازی و احترام به اصولی را که بارها تاریخ نویسان از آن صحبت کرده‌اند و بارها داریوش اول در کتبیه‌هایش ذکر کرده یعنی احترام به اصول سه گانه اندیشه نیک - گفتار نیک - کردار نیک - کردار نیک - داریونیکه را تقدیر بزرگ‌انسان فرا میگرفتند و خود را برای حکومت و برای سر کردگی مهیا مینمودند.

بار دیگر لوحة داریوش را که در زیر آپادانای شوش قرار داده بود مرور فرمائید. وی میگوید از مصر و ماد و یونان، آسیای کوچک و بابل کارگران برای ساختن این بنا به شوش خوانده شدند ولی صحبت از پارس‌ها نمیکند.

در میان ۱۴۰۰۰ لوحة گلی که در آرشیو باستانی‌ها تخت جمشید که در تاریخ ۱۹۳۴ بوسیله دکتر اشتیت کشف شد و در حدود ۳۰۰۰ لوحة آن تا این تاریخ



بسیله دو هزار از دانشمندان بزرگ آمریکائی
آقای پروفسور کامرون و آقای ریچارد
هالوک ترجمه شده بارها صحبت از این است
که برای فلان تعداد کارگر سنگ تراش
میری یا خشت کار و نجار با پلی فلان مبلغ
پول و فلان مقدار جنس برای فلان مدت
کار داده شده ولی همیشه اگر احیاناً نام
بک پارسی در میان آن کتبه ها دیده میشود
برای این است بگویند که فلان تعداد
کارگران تحت سرپرستی بک پارسی در فلان
 محل منقول کارند.

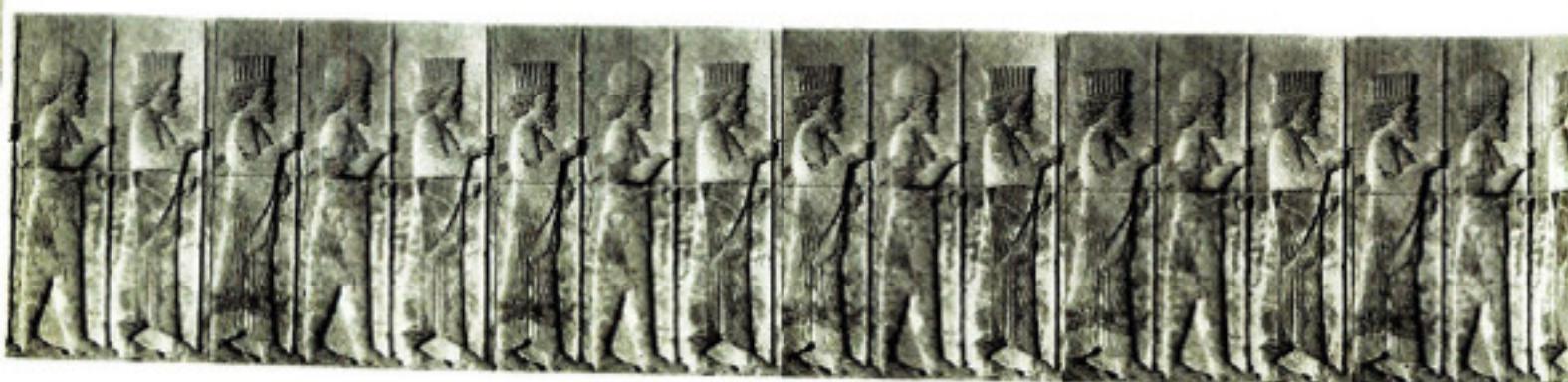
جزئیات یکی از قتوش بر جسته تخت جمشید



در میان ملتهای که خمیمه شاهنشاهی
ایران شده بودند تعداد بسیار زیادی صنعتگر
و هنرمند وجود داشتند که قرن ها پاکه
هزاران سال از پدر به پسر در کارهای
ساخته ای و زرگری و فاز کاری و سنگ
تراشی و غیره مهارتی پیدا کرده بودند و
وقتی آشوری ها به ناجیهای از ماد یا سومر
و ایلام حمله میکردند اینها صنعتگران را از
میان دیگران جدا میکردند و به نینوا و آشور
میفرستادند و بعداز آن بقیه مردان را از دم
نیز میگذراندند و زن ها را بسارت
میبرندند.

آنچه که به نظر من مهمتر است این
است که کدام عمار که حتی نخواسته است
نام خود را گوش سنگی در تخت جمشید
یا شوش برای ما بیاد گار گذاشت توانته
است از مجموع این صنعتگران طوری استفاده
کند که گاخهای عظیمی بوجود آورد که
نه پیش از آن دیده شده بود و نه بعد از آن
دیده شد همانطوری که کوروش بزرگ که
بنیان گذار شاهنشاهی ایران بود چنان بزرگ
میبدید که حتی امروز مانیتوانیم فکر واقعی
اورا درک کنیم.

UNE DES PORTES DU PALAIS



کوروش از همان روزی که پادشاه کنامی در جنوب ایران بود که بر قوم پازار کادی حکومت میکرده مرائب هنگامی بود که حوالد به او اجازه دهد جهان آن روز را تحت یک حکومت مرکزی، حکومتی که پایه و اساس روی عدالت اجتماعی و را بری و برادری ملت های بود قرار دهد.

ما متاسفانه مدارک کمی زیاد از دوران کوروش بزرگ نداریم ولی همان یک استوانه ای که در بابل کشف شده و امروز در موزه بریتانیا محفوظ است و آنقدر سرو میباشد اینجا که مطالعی را دربردارد که هنوز ما با فکر قرن بیستم خودمان نمیتوانیم آنرا در مغزمان جای دهیم.

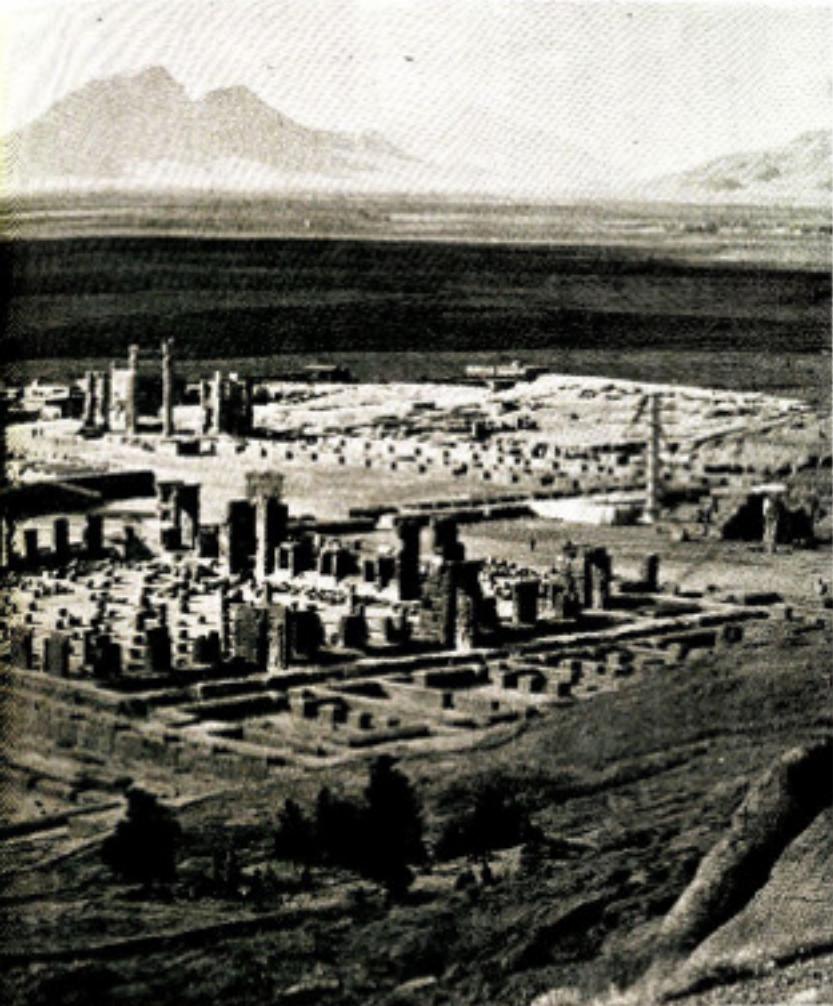
آیا کسی هست که امروز بتواند فکر حکومتی جهانی را در مغز خود بپروراند؟ آیا چنین شخصی را مجنون تجواهید خواهد؟ آنرا بزرگ ممکن بود اینطور فکر کرد و آنطور عمل کرد آنرا اگر کوروش عمر زیادتری کرده بود امکان این بود که تمام جهان از اروپا تا آسیا تحت اداره یک حکومت درآید ولی دیگر آن موقعیت ها از دست رفته است و اگر کوروش بزرگ امروز در این جهان پدیدار نمیشود همان فکر آنرا نمیتوانست به مرحله عمل وارد کند.

این فکر را از نظر معماری داریوش اول اجرا کرد، من تصور میکنم روزی داریوش معمارش را که شاید پارسی بود و شاید هم پارسی نبود و از کجا که مثلاً اشوری یا بابی نبود، به حال هر که بود او را صد کرد و از او خواست در روی سکوی تخت جمشید که مهد پرورش قبیله هخامنشی و اجداد او بود کاخ هائی بربا کرد که در آن شاهزاده ای از تمام ملت هایی که داخل در شاهنشاهی ایران شده اند دیده شود.

آنقدر با شکوه و مجلل باشد که بتواند با بزرگی شاهنشاهی ایران رقابت کند که شایسته شاهنشاهی باشد که از هند تا تایپی را تحت تصرف خود دارد.

تصور میکنم شاه ساعتی افکار بلند خودش را برای آن معمار با هوش روش کرد و آن معمار که اگر آنقدر که برای قیدیانی ها تبلیغ کردد برای او هم میکردد امروز نام بلندی در هنر معماری جهان داشت موفق گردید فکر بلند داریوش را وارد مرحله عمل کند.

در واقع ساختمان آپادانای تحت جمشید و شوش بهمیج ساختمانی که پیش از آن بوجود آمده باشد شیاهت ندارد تنها شاهت آن از حيث طرح ۶ کاخهای کوچک بازار گاد تر دیگر میشود ولی از آن کاخ بیار بزرگتر بسیار بلند تر و بسیار با شکوهر است.



منظره عمومی تخت جمشید

در آن زمان ساختمان های ایران از غرب تا شرق با قوس ها و گنبد های خشتی بربا میکردند، این خانه های خشتی که هنوز هم گاهی تغایر آنرا در اطراف بزد و ورامین میتوان دید از بسیاری جهات با محیط و احیاجات مردمی که در زیر آن زندگی میگردند مناسب بود.

در جنوب و در بعضی قسمتهای مرکزی و شرقی ایران خانه های گنبد دار در قاستان خنک است و در زمستان هم به سبب قطور بودن دیوارهایش و عایق بودن گنبدها با گهواره ها گرم است، بسیار کم خرج است و محالی آنرا در همهجا میتوان یافت، آثار ساختمانی مکثوف در چهار زمینه بود و در هفت تپه که از اواخر هزاره دوم پیش از میلاد است ثان میدهد که مطالقاً ستون چوبی یا سنگی و بامهای افقی مسطح بکار برد نمیشده است بقیه در صفحه ۵۱





Une vue de l'ensemble monumental de Persepolis.

مجموعه‌ای از سردرهای تخت جمشید



هنر و معماری